

مجموعه کتب  
فرمولیست

پایه دوازدهم  
رشته‌های  
تجربی و ریاضی

عربی ۳

پایه دوازدهم  
رشته‌های  
تجربی و ریاضی

مؤلف: خدیجه علیپور  
همکار مؤلف: محمدمهدی بهرادجو

فرمولیست



# فرمول پیش

۱۵۰

پرسش  
تحلیل صرفی  
و محل اعرابی

۲۰۰

پرسش  
قواعد

۷۰۰

پرسش  
واژگان

۷۵۰

پرسش  
ترجمه و درک مطلب

۲۷۰

پرسش  
ترجمه فعل



+۳:۶

فیلم  
آموزشی  
ویژه  
شب  
امتحان



9 786220 307686

تهران، میدان انقلاب  
نیش بازارچه کتاب

[www.gajmarket.com](http://www.gajmarket.com)

## فهرست

### واژگان

بخش  
۵/۵  
نمره

#### درس اول

۸۴ بستۀ ۱: معنی کلمات

۹۰ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۹۱ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۹۳ بستۀ ۴: جمع مکسر

۹۵ بستۀ ۵: انواع اسم

#### درس دوم

۹۷ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۰۳ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۰۴ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۰۶ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۰۸ بستۀ ۵: انواع اسم

#### درس سوم

۱۱۰ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۱۶ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۱۷ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۱۸ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۲۰ بستۀ ۵: انواع اسم

#### درس چهارم

۱۲۳ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۲۸ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۲۹ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۳۱ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۳۲ بستۀ ۵: انواع اسم

### ترجمه فعل

بخش  
۱  
نمره

قسمت ۱: کادرهای آموزشی ۶

قسمت ۲: تمرین کتاب درسی ۱۹

قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی ۲۳

### ترجمه و درک مطلب

بخش  
۹/۵  
نمره

#### درس اول

بستۀ ۱: متن درس ۲۶

بستۀ ۲: إعلموا ۳۱

بستۀ ۳: تمرین ۳۴

#### درس دوم

بستۀ ۱: متن درس ۳۹

بستۀ ۲: إعلموا ۴۴

بستۀ ۳: تمرین ۴۷

#### درس سوم

بستۀ ۱: متن درس ۵۳

بستۀ ۲: إعلموا ۶۰

بستۀ ۳: تمرین ۶۳

#### درس چهارم

بستۀ ۱: متن درس ۶۸

بستۀ ۲: إعلموا ۷۴

بستۀ ۳: تمرین ۷۶

## پاسخ نامه تشریحی

۱۷۰	بخش ۱: ترجمه فعل
۱۷۱	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۱۸۵	بخش ۳: واژگان
۲۰۱	بخش ۴: قواعد
۲۰۵	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

## امتحان نهایی

۲۱۲	آزمون ۱: دی ماه ۱۴۰۱
۲۱۴	آزمون ۲: خرداد ماه ۱۴۰۲
۲۱۶	آزمون ۳: شهریور ماه ۱۴۰۲
۲۱۸	آزمون ۴: دی ماه ۱۴۰۲
۲۲۰	آزمون ۵: خرداد ماه ۱۴۰۲
۲۲۲	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵

## قواعد

درس اول	
۱۳۴	بسته ۱: حروف مشبّهة بالفعل
۱۳۷	بسته ۲: (لا)ی نفی جنس
درس دوم	
۱۴۰	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۴۴	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۴۵	بسته ۱: ادات استثناء
۱۴۷	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۴۸	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۵۰	بسته ۲: نکات ترجمه

## تحلیل صرفی و اعراب

۱۵۲	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۱۵۵	قسمت ۲: محل اعرابی
۱۵۹	قسمت ۳: سؤالات درس به درس

## شب امتحان



نوبت دوم



نوبت اول



بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
نمره ۲	نمره ۹/۵	نمره ۵/۵	نمره ۱/۲۵	نمره ۱/۷۵

# ترجمه فعل



# قسمت

## کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

### ایستگاه سؤال

#### ترجم الأفعال التالية:

۱. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← تَعَلَّمْنَا درساً لَنْ نُنْسَاهُ. (خرداد ۱۴۰۳)
۲. عَلِمَ (دانست) ← عَلِمْتُ الْأَسْرَارَ. (دی ۱۴۰۲)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

#### إنتخب الصحيح:

۷. زُمَلَائِي ..... فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِداً. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
- ۱ حَصَرَ ○ ۲ حَصَرُوا ○ ۳ حَصَرْنَ
۸. شَبَابُنَا عَلِمَ إِيْرَانِ فِي الْمُبَارَاةِ. (خرداد ۱۴۰۲)
- ۱ رَفَعُوا ○ ۲ رَفَعْتُ ○ ۳ رَفَعَ
۹. الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمُبَارَاةِ عَلِمَ إِيْرَانِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- ۱ رَفَعَ ○ ۲ رَفَعْتِ ○ ۳ رَفَعْتَ
۱۰. نَحْنُ ..... بَيْتاً جَمِيلاً مِنَ الْخَشَبِ. (خرداد ۹۸)
- ۱ صَنَعْنَا ○ ۲ صَنَعْتُ ○ ۳ صَنَعُوا
۱۱. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (دی ۹۸)
- ۱ نَجَحَتْ ○ ۲ نَجَحَ ○ ۳ نَجَحْنَ
۱۲. إِنَّا نَحْنُ ..... عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً. (دی خارج ۹۹)
- ۱ نَزَّلْتُ ○ ۲ نَزَّلْنَا ○ ۳ نَزَّلُوا

### پاسخ سؤالات

۱. آموختیم
۲. دانستی
۳. نشست
۴. نامه‌نگاری کردند
۵. برید
۶. من کمک کردم
۷. گزینهٔ «۲»: «زُمَلَاءُ» جمع مکسّر و مذکر عاقل است و فعل «حَصَرُوا» مناسب جای خالی است.
۸. گزینهٔ «۳»: «شَبَابُ» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.

### ماضی ساده



• فعلی است که بر انجام‌دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

◀ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناختِ آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغهٔ مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أنتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أنتِ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُمَا	أنتُمَا (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُمْ	أنتُمْ (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أنتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	نشستند
جَلَسَتَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	
جَلَسُوا	و	هُم (آن‌ها)	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ (آن‌ها)	

◀ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ت» نشانهٔ مؤنث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)



۱۵. **اجْتَهَدَ (تلاش کرد)** ← **لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ.** (خرداد ۱۴۰۰)
۱۶. **صَرَبَ (زد)** ← **لَمْ يَصْرِبْنَ.** (دی خارج ۹۹)
۱۷. **صَلَّحَ (تعمیر کرد)** ← **هُوَ لَمْ يُصَلِّحْ جَرَّازَتَهُ.** (شهریور ۱۴۰۱)
۱۸. **تَكَلَّمَ (سخن گفت)** ← **لَمْ يَتَكَلَّمَا.** (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۹. **سَاعَدَ (کمک کرد)** ← **هُم لَمْ يُسَاعِدُوا.** (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۰. **شَجَّعَ (تشویق کرد)** ← **لَمْ يُشَجِّعَنَّ.** (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۱. **أَجْلَسَ (نشاند)** ← **هُم لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.** (دی ۹۸)
۲۲. **أَرْسَلَ (فرستاد)** ← **لَمْ يُرْسِلُوا واجباتِهِم.** (خرداد ۱۴۰۱)
۲۳. **تَذَكَّرَ (به یاد آورد)** ← **مَا تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ.** (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۲۴. **مَاشَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ.** (دی ۹۷)
۲۵. **عَفَرَ (آمرزید)** ← **لَمْ يَعْفُرَ.** (آذر ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. **نپریدم** (ما + فَفَرْتُ ← ما فَفَرْتُ (ماضی منفی))
۲. **اجازه ندادیم** (لَمْ + نَسَمَحُ ← لَمْ نَسَمَحْ (ماضی منفی))
۳. **تلاش نکرد** (لَمْ + تَجْتَهِدُ ← لَمْ تَجْتَهِدْ (ماضی منفی))
۴. **فرا نگرفت** (لَمْ + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضی منفی))
۵. **آمرزش نخواست** (ما + اسْتَعْفَرْتُ ← ما اسْتَعْفَرْتُ (ماضی منفی))
۶. **یاد نکردید** (ما + ذَكَرْتُمْ ← ما ذَكَرْتُمْ (ماضی منفی))
۷. **به یاد نیاوردید** (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← ما تَذَكَّرْتُمْ (ماضی منفی))
۸. **نفرستاد** (ما + أَرْسَلَ ← ما أَرْسَلَ (ماضی منفی))
۹. **ندید، مشاهده نکرد** (لَمْ + يُشَاهِدُ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضی منفی))
۱۰. **تلاش نکرد** (ما + اجْتَهَدْتُ ← ما اجْتَهَدْتُ (ماضی منفی))
۱۱. **ندانستند** (لَمْ + يَعْلَمُونَ ← لَمْ يَعْلَمُوا (ماضی منفی))
۱۲. **یاد ندادید** (ما + عَلَّمْتُمْ ← ما عَلَّمْتُمْ (ماضی منفی))
۱۳. **کمک نکرد** (لَمْ + يُسَاعِدُ ← لَمْ يُسَاعِدْ (ماضی منفی))
۱۴. **نجات نداد** (لَمْ + يُنْقِذُ ← لَمْ يُنْقِذْ (ماضی منفی))
۱۵. **تلاش نکرد** (لَمْ + يَجْتَهِدُ ← لَمْ يَجْتَهِدْ (ماضی منفی))
۱۶. **نزدند** (لَمْ + يَصْرِبْنَ ← لَمْ يَصْرِبْنَ (ماضی منفی))
۱۷. **تعمیر نکرد** (لَمْ + يُصَلِّحْ ← لَمْ يُصَلِّحْ (ماضی منفی))
۱۸. **سخن نگفتند** (لَمْ + يَتَكَلَّمَانِ ← لَمْ يَتَكَلَّمَا (ماضی منفی))
۱۹. **کمک نکردند** (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا (ماضی منفی))
۲۰. **تشویق نکردند** (لَمْ + يُشَجِّعَنَّ ← لَمْ يُشَجِّعَنَّ (ماضی منفی))
۲۱. **نشاندند** (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا (ماضی منفی))
۲۲. **نفرستادند** (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا (ماضی منفی))
۲۳. **به یاد نیاوردم** (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))
۲۴. **گزینه «۲»**: مشاهده نکردم (ما + شاهَدْتُ ← ما شاهَدْتُ (ماضی منفی))
۲۵. **نیامرزید** (لَمْ + يَعْفُرَ ← لَمْ يَعْفُرْ (ماضی منفی))

۹. گزینه «۳»: با توجه به «الفائِزَةُ» که مفرد مؤنث غایب است فعل «رَفَعْتُ» صحیح می باشد. (برندهٔ اول پرچم ایران را در مسابقه بالا برد.)
۱۰. گزینه «۱»: با توجه به ضمیر «نَحْنُ» فعل در صیغهٔ اول شخص جمع (متکلم مع الغیر) می آید. (ما خانه‌ای زیبا از چوب ساختیم.)
۱۱. گزینه «۱»: با توجه به «الطَّالِبَاتُ» فعل در ابتدای عبارت مفرد مؤنث می آید. (دانش آموزان در امتحان موفق شدند.)
۱۲. گزینه «۲»: با توجه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. (به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.)

ماضی منفی

● فعل ماضی با حرف «ما» منفی می شود.

◀ رَجَعَ (بازگشت) منفی ← ما رَجَعْنَا (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

● فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می شود.

◀ لَمْ + يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی

◀ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می کند، ولی «لَمْ» مخفف «لَمَّا» به معنای «چرا، برای چه» کلمهٔ پرسشی است.

لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؟	چرا می گوید آن چه را که انجام نمی دهید؟
«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»	آیا ندانست که خدا می بیند؟ ماضی منفی
لَمْ يَأْمُرُوا بِالْعَدْلِ؟	چرا به تکالیفات عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیه:

۱. **فَفَرَّ (پرید)** ← **مَا فَفَرْتُ مِنَ الطَّائِرَةِ.** (دی ۱۴۰۲)
۲. **سَمَحَ (اجازه داد)** ← **لَمْ نَسَمَحْ لِلنَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا.** (دی ۱۴۰۲)
۳. **اجْتَهَدَ (تلاش کرد)** ← **هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا.** (خرداد ۱۴۰۲)
۴. **تَعَلَّمَ (یاد گرفت)** ← **الْكِسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدَّرْسَ.** (دی ۱۴۰۱)
۵. **اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست)** ← **هِيَ مَا اسْتَعْفَرَتْ.** (شهریور ۹۹)
۶. **ذَكَرَ (یاد کرد)** ← **أَنْتُمْ مَا ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.** (شهریور ۱۴۰۰)
۷. **تَذَكَّرَ (به یاد آورد)** ← **مَا تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.** (دی ۱۴۰۰)
۸. **أَرْسَلَ (فرستاد)** ← **مَا أَرْسَلَ.** (دی ۹۹)
۹. **شَاهَدَ (دید)** ← **لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئًا.** (خرداد ۹۹)
۱۰. **اجْتَهَدَ (تلاش کرد)** ← **هِيَ مَا اجْتَهَدَتْ.** (خرداد ۹۹)
۱۱. **عَلِمَ (دانست)** ← **لَمْ يَعْلَمُوا شَأْنَ وَالِدِيهِم.** (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۲. **عَلَّمَ (یاد داد)** ← **مَا عَلَّمْتُمْ.** (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۳. **سَاعَدَ (کمک کرد)** ← **هُوَ لَمْ يُسَاعِدْ صَدِيقَهُ.** (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۴. **أَنْقَذَ (نجات داد)** ← **هُوَ لَمْ يُنْقِذْ شَخْصًا.** (خرداد خارج ۱۴۰۱)

ماضی نقلی  
۱۰  
تکرار

• به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

• برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.

قَدْ + ذَهَبَ ماضی نقلی ← قَدْ ذَهَبَ

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

• فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.

قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته‌ام

• فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.

(پس یادتون باشه ترکیب «لَمْ + فعل مضارع» می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه ۱ ندانستند (ماضی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه ۲ ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

- عَفَرَ (آموزید) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰)
- اِسْتَعْفَرُ (آموزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اِسْتَعْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
- عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتُ. (دی خارج ۹۹)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنِ مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ. (خرداد خارج ۹۸)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ إِمْتَنَعْتُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جِدًّا. (دی ۹۸)
- عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبِيرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

- آموزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)
- آموزش خواسته‌اید (قَدْ + اِسْتَعْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
- یاد داده‌ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)
- سخن گفته‌ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
- به یاد آورده‌ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
- خودداری کرده است (قَدْ + إِمْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)
- رفتار کرده‌ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)

- عمل کرده‌ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

ماضی استمراری  
۱۶  
تکرار

• به فعلی گفته می‌شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.

می‌نوشتیم، می‌آمدند، می‌خوردید و ...

• فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه‌های ماضی فعل «كَانَ» به قبل از صیغه‌های فعل مضارع ساخته می‌شود.

كَانَ + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ

كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

• فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می‌شود.

كَانَ يَعْلمُ ترجمه می‌دانست

• به شکل‌های مختلف فعل «كَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن‌ها در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	فعل مضارع	شکل‌های «كَانَ»
می‌رفت	يَذْهَبُ	۱. كَانَ +
	تَذْهَبُ	۲. كَانَتْ +
می‌رفتند	يَذْهَبَانِ	۳. كَانَا +
	تَذْهَبَانِ	۴. كَانْتَا +
	يَذْهَبُونَ	۵. كَانُوا +
	يَذْهَبْنَ	۶. كُنَّ +
می‌رفتی	تَذْهَبُ	۷. كُنْتُ +
	تَذْهَبِينَ	۸. كُنْتِ +
می‌رفتید	تَذْهَبَانِ	۹. كُنْتُمَا +
	تَذْهَبُونَ	۱۰. كُنْتُمْ +
	تَذْهَبْنَ	۱۱. كُنْتُنَّ +
	أَذْهَبُ	۱۲. كُنْتُ +
می‌رفتیم	نَذْهَبُ	۱۳. كُنَّا +

فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

لَيْتَ مُحَمَّدًا نَصَرَ صَدِيقَهُ. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد.

(البته در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می‌شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.)

فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

شَاهَدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی + نکره + مضارع

شَاهَدْتُ الطِّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی‌که بازی می‌کرد.

ماضی + معرفه + مضارع



ماضی  
بعید

تکرار

- به فعلی گفته می شود که در گذشته دور انجام شده است.
- ◀ نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه های فعل ماضی ساخته می شود.
- ◀ كَان + قَدْ + جَلَسَ ← كَان قَدْ جَلَسَ
- ◀ آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می آید.

كَانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می شود.
- ◀ كَان قَدْ كَتَبَ ترجمه ← نوشته بود.
- ◀ كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه ← نوشته بودیم.
- به شکل های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَان (قَدْ) ذَهَبَ
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانْتَا (قَدْ) ذَهَبْتَا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
رفته بودید	۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا
	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
رفته بودم	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

◀ فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» را نیز می توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درسته.)

◀ لَيْتَ التَّلْمِيذِ ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ. ← کاش دانش آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می کرد.)

لَيْتَ + ماضی ← ماضی بعید  
ماضی استمراری

◀ فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می شود.

◀ شَاهِدْتُ صَدِيقًا سَاعَدَنِي فِي الدَّرْسِ. ← دوستی را دیدم که به من ماضی ماضی در درس ها کمک کرده بود. (کمک کرد)

ماضی بعید

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

۱. عَامَلَ (رفتار کرد) ← هُوَ كَانَ يُعَامِلُ التَّلَامِيذَ بِصَدَاقَةٍ. (خرداد ۱۴۰۳)
۲. جَلَسَ (نشست) ← كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۳. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۴. كَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ. (دی خارج ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← كَانُوا يَقْطَعُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
۶. إِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← كَانُوا يَجْتَهِدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۷. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← كَانَ يَتَقَرَّبُ. (دی ۹۹)
۸. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُ أَعْلَمُ شَيْئًا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۹. جَالَسَ (هم نشینی کرد) ← كَانَا يُجَالِسَانِ الصَّالِحِينَ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِشَرَعَةٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۱. عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتُ تَعْمَلُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۲. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۳. صَلَحَ (تعمیر کرد) ← كَانُوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ. (شهریور ۱۴۰۰)
۱۴. عَامَلَ (رفتار کرد) ← كَانُوا يُعَامِلُونَ جَيِّدًا. (شهریور ۹۹)
۱۵. لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ. (خرداد خارج ۹۸)

- ۱) دوری کرده است
- ۲) دوری می کرد
- ۳) دوری خواهد کرد

پاسخ سؤالات

۱. رفتار می کرد (كَانَ + فعل مضارع «يُعَامِلُ» ← ماضی استمراری)
۲. می نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۳. می دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
۴. با یکدیگر نامه نگاری می کردند (كَانَا + فعل مضارع «يُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
۵. می بریدند (كَانُوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
۶. تلاش می کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
۷. نزدیک می شد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَقَرَّبُ» ← ماضی استمراری)
۸. می دانستم (كُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۹. هم نشینی می کردند (كَانَا + فعل مضارع «يُجَالِسَانِ» ← ماضی استمراری)
۱۰. سخن می گفتند (كَانُوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۱. عمل می کردی (كُنْتُ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۲. خودداری می کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۱۳. تعمیر می کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يُصَلِّحُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۴. رفتار می کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۵. گزینه ۲: دوری می کرد (لَيْتَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)
۱۶. می بریدند (كَانَا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالیة:

۱. قَفَرَ (برید) ← البومَةُ وَ الحَفَّاشُ یَقْفِرَانِ فِي اللَّیْلِ. (دی ۱۴۰۲)
۲. سَأَلَ (سؤال کرد) ← أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونِنِي؟ (خرداد ۱۴۰۲)
۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُمْ يُرْسِلُونَ الحَبَرَ. (شهریور ۱۴۰۰)
۴. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← نَحْنُ نَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)
۵. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← أَشَاهِدُ. (شهریور ۹۸)
۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← هُمْ یَتَقَرَّبُونَ إِلَى الحَیْرَاتِ. (خرداد ۱۴۰۲)
۷. اِسْتَعَانَ (یاری جست) ← «... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (شهریور ۱۴۰۱)
۸. خَلَقَ (آفرید) ← یَخْلُقُونَ. (دی ۹۹)
۹. سَاعَدَ (کمک کن) ← تُسَاعِدِينَ أُمَّكَ فِي الطَّبْخِ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ یُسَاعِدُونَ الفُقَرَاءَ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← أَنَا أَنْذَرْتُ حِیَامَ الحَجَّاجِ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۲. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُنَّ یُجَالِسْنَ المُؤْمِنَاتِ. (دی خارج ۱۴۰۱)

إنتخب الفعل المناسب للفرغ:

۱۳. الحاجُّ سَبَعَ مَرَاتٍ حَوْلَ بَیْتِ اللَّهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
- ۱) تَطَوَّفَ ○ ۲) یَطُوفُونَ ○ ۳) یَطُوفُ
۱۴. الأثَارُ القَدِیْمَةُ ..... اهْتِمَامَ الإِنْسَانِ بِالذِّیْنِ. (خرداد ۱۴۰۲)
- ۱) تُؤَكِّدُ ○ ۲) یُؤَكِّدُونَ ○ ۳) یُؤَكِّدُ
۱۵. الفَلَّاحُونَ ..... المَحَاصِلِ فِي المَزَارِعِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- ۱) یَجْمَعُ ○ ۲) یَجْمَعُونَ ○ ۳) یَجْمَعْنَ
۱۶. المُنْتَفِرُونَ ..... فَرِیقَهُمُ الفَائِزَ فَرِحِینَ. (دی ۱۴۰۰)
- ۱) یُسَجِّعُونَ ○ ۲) یُسَجِّعْنَ ○ ۳) یُسَجِّعُ
۱۷. الأَصْدِقَاءُ ..... عَلَی أَنفُسِهِمُ. (خرداد ۹۸)
- ۱) تَعْتَمِدُونَ ○ ۲) یَعْتَمِدُونَ ○ ۳) یَعْتَمِدْنَ
۱۸. اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا الشَّرْكَ بِاللَّهِ. (شهریور ۹۸)
- ۱) تَغْفِرُ ○ ۲) یَغْفِرُ ○ ۳) تَغْفِرُ
۱۹. العَمَالُ المُجْتَهِدُونَ ..... فِي المَصْنَعِ. (شهریور ۹۸)
- ۱) یَسْتَعْلُونَ ○ ۲) تَسْتَعْلُونَ ○ ۳) یَسْتَعْلِنَ
۲۰. كُلُّ شَیْءٍ ..... إِذَا كَثُرَ إِلَّا الأَدَبُ. (دی ۹۸)
- ۱) تَرْحُصُ ○ ۲) یَرْحُصُ ○ ۳) تَرْحُصُ

پاسخ سؤالات

۱. می‌پزند (مضارع اخباری)
۲. سؤال می‌کنید (مضارع اخباری)
۳. می‌فرستند (مضارع اخباری)
۴. بازنشسته می‌شویم (مضارع اخباری)
۵. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)
۶. نزدیک می‌شوند (مضارع اخباری)
۷. یاری می‌جوئیم (مضارع اخباری)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالیة:

۱. نَظَرَ (نگاه کرد) ← كُنْتُ قَدْ نَظَرْتُ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِي. (خرداد ۱۴۰۳)
۲. اِسْتَمَعَ (گوش داد) ← الولدُ كَانَ قَدْ اِسْتَمَعَ نَصِیْحَةَ أبِيهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۳. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِیذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹)
۵. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← هُوَ كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ. (شهریور ۹۹)
۶. رَحَّصَ (ارزان شد) ← أَسْعَاؤُ البِضَایِعِ كَانَتْ قَدْ رَحَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِیضِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۷. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۸. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَیْتَهُمُ تَكَاتَبُوا. (شهریور خارج ۹۸)

پاسخ سؤالات

۱. نگاه کرده بودم (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (نَظَرْتُ) ← ماضی بعید)
۲. گوش فرا داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
۳. نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۴. خودداری کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
۵. بازنشسته شده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (تَقَاعَدَ) ← ماضی بعید)
۶. ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَحَّصَتْ) ← ماضی بعید)
۷. قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
۸. نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (لَیْتُ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

مضارع ساده  
۲۰  
تکرار

- فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.
- یُنْصَرُ (یاری می‌کند)، تَرْجَعَانِ (باز می‌گردند، باز می‌گردید)، یُدَافِعُونَ (دفاع می‌کنند) و ...
- در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمائر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسُ	نَدَارِد	أَنَا (من)	می‌نشینم
تَجْلِسُ		أَنْتَ (تو)	می‌نشینی
تَجْلِسِينَ	بَیْن	أَنْتَ (تو)	می‌نشینی
یَجْلِسُ	نَدَارِد	هُوَ (او)	می‌نشاند
تَجْلِسُ		هِيَ (او)	می‌نشاند
نَجْلِسُ	نَدَارِد	نَحْنُ (ما)	می‌نشینیم
تَجْلِسَانِ	اِنْ	أَنْتُمَا (شما)	می‌نشینید
تَجْلِسُونَ		أَنْتُمْ (شما)	
تَجْلِسْنَ		أَنْتُنَّ (شما)	
یَجْلِسَانِ	اِنْ	هُمَا (آن دو)	می‌نشینند
تَجْلِسَانِ		هُم (ایشان)	
یَجْلِسْنَ		هُنَّ (ایشان)	

- همان‌طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود؛ «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»
- أَتَعْمَلُونَ فِي المَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می‌کنید؟

مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

مضارع



ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. عامَل (رفتار کرد) ← لِمَ لَا تُعَامِلُونَ كَالْإِحْوَانِ؟ (خرداد. ۱۴۰۳)
۲. عَلِمَ (دانست) ← لَا تَعْلَمُونَ الدُّرُوسَ الْمَاضِيَةَ. (دی ۱۴۰۲)
۳. هُم لَا يَسْتَعْفِرُونَ. (شهریور ۹۹)
۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَا يُعَلِّمُونَ. (دی خارج ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← لَا نَقْطَعُ. (شهریور ۹۸)
۶. أَجْلَسَ (نشاند) ← لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟ (دی ۹۸)
۷. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَا يَمْتَنِعُونَ. (خرداد. ۹۹)
۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدَّتِي لَا تَتَذَكَّرُ شَيْئًا. (دی خارج ۱۴۰۱)
۹. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا أَنْذِرُكَ يَا زَمِيلِي. (خرداد خارج ۹۸)
۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَا يَتَكَلَّمُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لَا يَعْبُدُ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۲. عَفَرَ (آمرزد) ← لَا يَغْفِرُونَ. (دی خارج ۹۸)
۱۳. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← لَا تُشَجِّعِينَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۴. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتَ لَا تَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. رفتار نمی‌کنید (لا + فعل مضارع (تُعَامِلُونَ) ← مضارع منفی)
۲. نمی‌دانید (لا + فعل مضارع (تَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
۳. آموزش نمی‌خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۴. یاد نمی‌دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)
۵. نمی‌بریم (لا + فعل مضارع (نَقْطَعُ) ← مضارع منفی)
۶. نمی‌نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسِينَ) ← مضارع منفی)
۷. خودداری نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)
۸. به یاد نمی‌آورد (لا + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)
۹. تو را به یاد نمی‌آورم (لا + فعل مضارع (أَنْذِرُكَ) ← مضارع منفی)
۱۰. سخن نمی‌گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)
۱۱. عبادت نمی‌کند (لا + فعل مضارع (يَعْبُدُ) ← مضارع منفی)
۱۲. نمی‌آمرزد (لا + فعل مضارع (يَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۱۳. تشویق نمی‌کنی (لا + فعل مضارع (تُشَجِّعِينَ) ← مضارع منفی)
۱۴. بازنشسته نمی‌شوی (لا + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُ) ← مضارع منفی)

نهی

- فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.
- ▶ نپرس، نگویید، نروید و ...
- برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرش صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.
- لا + تَسْأَلُ **نهی** ← لا تَسْأَلُ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)
- لا + تَسْأَلَانِ **نهی** ← لا تَسْأَلَانِ (نپرسید) (حذف نون)
- لا + تَسْأَلْنَ **نهی** ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف همیشه)
- لا + فعل مضارع (با تغییر) ← نهی**
- فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.
- ▶ لا تُخْرِجِي مِنَ الْبَيْتِ. **ترجمه** ← از خانه بیرون نرو.
- فعل نهی
- ▶ لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. **ترجمه** ← در کتابخانه سخن نگویید.
- فعل نهی

۸. می‌آفرینند (مضارع اخباری)

۹. کمک می‌کنی (مضارع اخباری)

۱۰. کمک می‌کنند (مضارع اخباری)

۱۱. به یاد می‌آورم (مضارع اخباری)

۱۲. هم‌نشینی می‌کنند (مضارع اخباری)

۱۳. گزینه «۳»: «يَطُوفُ» («الحاج» مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغه مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی است.) ترجمه عبارت ← حج‌گزار هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کند.

۱۴. گزینه «۱»: «تُؤَكِّدُ» (با توجه به «الآثَارُ» که بر جمع مکسر غیرعاقل دلالت دارد، فعل در صیغه مفرد مؤنث می‌آید.) ترجمه عبارت ← آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

۱۵. گزینه «۲»: «يَجْمَعُونَ» («الْفَلَاحُونَ» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید.) ترجمه عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.

۱۶. گزینه «۱»: «يُسَجِّعُونَ» («الْمُنْتَفِرُونَ» جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید.) ترجمه عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.

۱۷. گزینه «۲»: «يَعْتَمِدُونَ» (با توجه به «الأصدقاء» که جمع مذکر است و نیز ضمیر «هَم» فعل «يَعْتَمِدُونَ» مناسب جای خالی است) ترجمه عبارت: دوستان بر خودشان تکیه می‌کنند.

۱۸. گزینه «۲»: «يَغْفِرُ» (با توجه به کلمه «اللَّهُ» فعل «يَغْفِرُ» در صیغه مفرد مذکر مناسب جای خالی است.) ترجمه عبارت ← خداوند به جز شرک به خدا، گناهان را می‌بخشد.

۱۹. گزینه «۱»: «يَسْتَتَلُونَ» (با توجه به «العَمَالُ» که جمع مکسر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَتَلُونَ» مناسب جای خالی است.) ترجمه عبارت ← کارگران تلاشگر در کارخانه کار می‌کنند.

۲۰. گزینه «۲»: «يَرْحُصُ» («كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکر دلالت دارد. بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ترجمه عبارت ← هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.

مضارع منفی

• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

▶ با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند.

▶ لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی‌رود)

▶ لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی‌روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود.

▶ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرَسَكِ؟ **ترجمه** ← چرا درست را نمی‌نویسی؟

مضارع منفی

▶ لا أَنْذِرُكَ يَا زَمِيلِي. **ترجمه** ← تو را به یاد نمی‌آورم ای هم‌کلاسی‌ام.

مضارع منفی

ایستگاه سؤال

مستقبل

• به فعلی گفته می شود که بر زمان آینده دلالت می کند و با اضافه شدن حرف «س / سوف» به اول فعل مضارع ساخته می شود.

س / سوف + فعل مضارع ← مستقبل

• در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواهد...» استفاده می کنیم.

سَيُخْرِجُ ترجمه ← خارج خواهد شد.

سَوْفَ نَرْجِعُ ترجمه ← باز خواهیم گشت.

• فعل مستقبل با آمدن حرف «لن» بر سر فعل مضارع، منفی می شود.

لَنْ أَجْلِسَ ← لن اجلس

لن + فعل مضارع ← مستقبل منفی

• در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواهد...» استفاده می کنیم.

لَنْ تَذْهَبَ ترجمه ← نخواهی رفت، نخواهد رفت

لَنْ تَعْلَمُوا ترجمه ← نخواهید دانست

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← سَيَلْعَبُ الفريقان. (دی ۱۴۰۲)
۲. سَاعَدَ (کمک کرد) ← سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۸)
۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ يَتَذَكَّرُنَّ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِي الذَّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۷. اِنْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← سَيَنْتَقِلُونَ. (شهریور ۹۸)
۸. تَفَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتُمْ سَتَتَفَاعَدُونَ. (شهریور ۹۹)
۹. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۰. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَتَذَكَّرُ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۰)
۱۱. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۲. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← سَيَتَذَكَّرَانِ ذِكْرِيَاتٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۳. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← الْحَجَّاجُ سَيَتَذَكَّرُونَ ذِكْرِيَاتِهِمْ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِّي لَنْ يَتَذَكَّرَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۵. رَخَّصَ (ارزان شد) ← الْأَدَبُ لَنْ يَرْخُصَ إِذَا كَثُرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۶. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَنْ تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۷. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَنْ يَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۸. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَيَعْبُدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۹. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹)
۲۰. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ. (شهریور ۹۸)
۲۱. اِنْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← لَنْ يَنْتَقِلَ. (دی خارج ۹۸)
۲۲. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَى الذَّنْبِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۳. نَحَّجَ (موقوف شد) ← سَوْفَ يُنْحَجُ. (شهریور ۹۸)
۲۴. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← لَنْ يُشَاهِدَ. (شهریور ۹۸)
۲۵. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ يَعْلَمَ. (دی خارج ۹۹)
۲۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. (خرداد ۱۴۰۱)

ترجمه الأفعال التالية:

۱. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إِلَهِي لِاتَّعَامِلْ عَبْدَكَ بِالْعَدْلِ. (خرداد ۱۴۰۳)
  ۲. سَمَحَ (اجازه داد) ← لَا تُسَمِّحِي الْخُرُوجَ مِنَ الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۲)
  ۳. مَنَعَ (منع کرد) ← لَا تَمْنَعُونَا عَنِ الْخُرُوجِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
  ۴. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← يَا رِجَالُ لَا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ. (خرداد ۹۸)
  ۵. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَا تَمْتَنِعُوا. (خرداد ۹۹)
  ۶. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَا تَذَكَّرُ. (دی ۹۷)
  ۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَا تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۹۹)
  ۸. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَا تَتَقَرَّبُوا. (دی ۹۹)
  ۹. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنْتَ لَا تُسَاعِدِي. (شهریور ۹۹)
  ۱۰. اِنْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← رَجَاءٌ لَا تَنْتَقِلُوا. (شهریور خارج ۹۸)
  ۱۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
  ۱۲. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَا تُرْسِلْ رِسَالَةً. (خرداد ۱۴۰۱)
  ۱۳. اِسْتَعَانَ (یاری جست) ← لَا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ. (شهریور ۱۴۰۱)
  ۱۴. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إِلَهِي لَا تُعَامِلْ بِعَدْلِكَ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۸)
  ۱۵. ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ (دی خارج ۹۸)
- ۱) سست نشوید
- ۲) سست نمی‌شوید
- ۳) نباید سست شوید
۱۶. قَطَعَ (برید) ← لَا تَقْطَعُوا صِدَاقَتَكُمْ. (دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. رفتار نکن (لا + تُعَامِلُ ← لَا تُعَامِلْ (نهی))
۲. اجازه نده (لا + تَسْمَحِينَ ← لَا تَسْمَحِي (نهی))
۳. منع نکنید (لا + تَمْنَعُونَ ← لَا تَمْنَعُوا (نهی))
۴. هم‌نشینی نکنید (لا + تُجَالِسُونَ ← لَا تُجَالِسُوا (نهی))
۵. خودداری نکنید (لا + تَمْنَعُونَ ← لَا تَمْنَعُوا (نهی))
۶. یاد نکن (لا + تَذَكَّرُ ← لَا تَذَكَّرِ (نهی))
۷. نفرستید (لا + تُرْسِلُونَ ← لَا تُرْسِلُوا (نهی))
۸. نزدیک نشوید (لا + تَتَقَرَّبُونَ ← لَا تَتَقَرَّبُوا (نهی))
۹. کمک نکن (لا + تُسَاعِدِينَ ← لَا تُسَاعِدِي (نهی))
۱۰. جابه‌جا نشوید (لا + تَنْتَقِلُونَ ← لَا تَنْتَقِلُوا (نهی))
۱۱. سخن نگویند (لا + تَتَكَلَّمُونَ ← لَا تَتَكَلَّمُوا (نهی))
۱۲. نفرست (لا + تُرْسِلْ ← لَا تُرْسِلْ (نهی))
۱۳. یاری نجویند (لا + تَسْتَعِينُونَ ← لَا تَسْتَعِينُوا (نهی))
۱۴. رفتار نکن (لا + تُعَامِلْ ← لَا تُعَامِلْ (نهی))
۱۵. گزینۀ «۱»: سست نشوید (لا + تَهِنُونَ ← لَا تَهِنُوا (نهی))
۱۶. برید (لا + تَقْطَعُونَ ← لَا تَقْطَعُوا (نهی))



- فعلی است که بروقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ... دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.
- در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می‌آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (ب + بن فعل + شناسه ← بَرَوْمَ، بَرُوی، بَرُود و ...)

### ۱ آن (که) / کی، لَی، لَکَی، حَتَّی (تا، برای این که)

#### + فعل مضارع ← مضارع التزامی

با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند. مضارع التزامی	لَیْکَی + یُضَلِّحُ بِأَدْوَانِهِ لَیْکَی یُضَلِّحُ سِیَّارَتَهُمْ.
پیامبران را بر آنان فرستاد تا راه درست و دین حق را آشکار کنند. مضارع التزامی	لَیْ + یَبْنِیُونَ ← لَیْبِنُوا أَرْسَلَ عَلَیْهِمُ الْأَنْبِیَاءَ لَیْبِنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ وَ الَّذِیْنَ الْحَقُّ.

### ۲ این (اگر)، مَن (هرکس)، ما (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر، چنان چه)

#### + فعل ← مضارع التزامی

(ساختار شماره ۲) مربوط همیشه به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که فعل شرط طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

هرگاه خداوند نابودی مورچه را بخواهد، برایش دو بال می‌رواند. مضارع اخباری	إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاکَ النَّمْلَةِ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحَیْنِ. ادات فعل شرط (ماضی) / جواب شرط (ماضی)
اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. مضارع اخباری	﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ ادات فعل شرط / جواب شرط

### ۳ لَی (امر) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی

- لَیْ + یُرْسِلُ ← لَیْرُسِلْ (باید بفرستد)
- لَیْ + نَنْتَقِمُ ← لَیَنْتَقِمَنَّ (باید انتقام بگیریم)
- گاهی حروف ربطی مانند «وَأَوْ، فَمَنْ» قبل از «لَی» می‌آیند و آن را [لام امر] ساکن می‌کنند.

و باید یاد کنیم.	وَلَنْذَرُكُمْ مِثْلَ إِبْرَاهِیْمَ الْخَلِیْلِ <small>لَیْ</small> لَیْ + فعل متکلم مع الغیر (لَیْ) به خاطر (و) ساکن شده است.
------------------	---

### ۴ لا (نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی

- لَا + یَنْتَقِلُ ← لَا یَنْتَقِلَنَّ (نبايد جابه جا شود)
- لَا + یَذْهَبُوا ← لَا یَذْهَبُوا (نبايد بروند)

۱. بازی خواهند کرد (س + فعل مضارع (یَلْعَبُ) ← مستقبل)
۲. کمک خواهیم کرد (س + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل)
۳. خواهند نشست (سَوْفَ + فعل مضارع (یَجْلِسُونَ) ← مستقبل)
۴. هم‌نشینی نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (یُجَالِسُ) ← لَنْ یُجَالِسَ ← مستقبل منفی)
۵. به یاد خواهند آورد (سَوْفَ + فعل مضارع (یَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)
۶. کمک نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← لَنْ أُسَاعِدَ ← مستقبل منفی)
۷. جابه‌جا خواهند شد (س + فعل مضارع (یَنْتَقِلُونَ) ← مستقبل)
۸. بازنشسته خواهید شد (س + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُونَ) ← مستقبل)
۹. خودداری نخواهیم کرد (لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ ← مستقبل منفی)
۱۰. به یاد خواهیم آورد (س + فعل مضارع (نَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)
۱۱. تلاش خواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (یَجْتَهِدُونَ) ← لَنْ یَجْتَهِدُوا ← مستقبل منفی)
۱۲. به یاد خواهند آورد (س + فعل مضارع (یَتَذَكَّرَانِ) ← مستقبل)
۱۳. به یاد خواهند آورد (س + فعل مضارع (یَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)
۱۴. به یاد نخواهد آورد (لَنْ + فعل مضارع (یَتَذَكَّرُ) ← لَنْ یَتَذَكَّرَ ← مستقبل منفی)
۱۵. ارزان نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (یَرْحُصُ) ← لَنْ یَرْحُصَ ← مستقبل منفی)
۱۶. نخواهید فرستاد (لَنْ + فعل مضارع (تُرْسِلُونَ) ← لَنْ تُرْسِلُوا ← مستقبل منفی)
۱۷. تلاش نخواهد کرد، تلاش نخواهی کرد (لَنْ + فعل مضارع (تَجْتَهِدُ) ← لَنْ تَجْتَهِدَ ← مستقبل منفی)
۱۸. عبادت خواهند کرد (س + فعل مضارع (یُعْبُدُونَ) ← مستقبل)
۱۹. کمک نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (یُسَاعِدُونَ) ← لَنْ یُسَاعِدُوا ← مستقبل منفی)
۲۰. نامه‌نگاری نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (یَتَكَاثَبُ) ← لَنْ یَتَكَاثَبَ ← مستقبل منفی)
۲۱. جابه‌جا نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (یَنْتَقِلُ) ← لَنْ یَنْتَقِلَ ← مستقبل منفی)
۲۲. نزدیک نخواهیم شد (لَنْ + فعل مضارع (نَتَقَرَّبُ) ← لَنْ نَتَقَرَّبَ ← مستقبل منفی)
۲۳. موفق خواهد شد (سَوْفَ + فعل مضارع (یُنَجِّحُ) ← مستقبل)
۲۴. مشاهده نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (یُشَاهِدُ) ← لَنْ یُشَاهِدَ ← مستقبل منفی)
۲۵. یاد نخواهد داد (لَنْ + فعل مضارع (یُعَلِّمُ) ← لَنْ یُعَلِّمَ ← مستقبل منفی)
۲۶. نزدیک خواهد شد (س + فعل مضارع (یَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)



۷. باید رفتار کنیم (ل امر) + فعل متکلم (نُعَامِلُ) ← لِنُعَامِلُ (مضارع التزامی)
۸. نباید به یاد آورند
۹. باید تلاش کنیم
۱۰. تا کمک کند
۱۱. کمک کند (لِکُنْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِكُنِّي يُسَاعِدُ (مضارع التزامی)
۱۲. یاد کند (لِئْتِ + فعل مضارع (يَذْکُرُ) ← مضارع التزامی)
۱۳. رفتار کنند (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا (مضارع التزامی)
۱۴. خودداری کنیم
۱۵. أَنْ + فعل مضارع (تَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ (مضارع التزامی)

۵. لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

### + فعل مضارع ← مضارع التزامی

لَيْتَ قَوْمِي يَغْلِبُونَ	ای کاش قوم من بدانند.
لَعَلَّهُمْ يَغْلِبُونَ	شاید آن‌ها خردورزی کنند.

### ۶ مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)

أَفْتَحِرُ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي	به دانش آموزی افتخار می‌کنم که در کسب فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد)
مضارع	مضارع
اِكْتِسَابِ الْفَضَائِلِ الْأَخْلَاقِيَّةِ.	

### ایستگاه سؤال

### ترجم الأفعال التالية:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← لَا يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي السَّارِعِ. (دی ۱۴۰۲)
۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← أَحِبُّ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۳. أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← لِنُكْرِمِ وَالِدَيْنَا. (خرداد ۱۴۰۲)
۴. كَتَبَ (نوشت) ← الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. (دی ۱۴۰۱)
۵. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ يَخْسِرُ. (خرداد ۹۸)
۶. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← لِنَيْتِهِمْ يَسْتَعْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
۷. يُعَامِلُ (رفتار می‌کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ حَيِّدًا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا يَتَذَكَّرُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۹. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. (خرداد ۹۹)
۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِكُنِّي يُسَاعِدُ. (خرداد خارج ۹۸)
۱۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِنَيْتِهِ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
۱۲. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لِنَيْتِهِ يَذْکُرُ. (دی ۹۷)
۱۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)

### پاسخ سؤالات

۱. نباید بازی کند (لا نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لَا يَلْعَبُ (مضارع التزامی منفی)
۲. سخن بگویم (أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلَّمُ) ← أَنْ أَتَكَلَّمَ (مضارع التزامی)
۳. باید گرامی بدرایم (ل امر) + فعل متکلم (نُكْرِمُ) ← لِنُكْرِمُ (مضارع التزامی)
۴. نباید بنویسند (لا نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لَا يَكْتُبُوا (مضارع التزامی منفی)
۵. سخن بگوید («مَنْ: هرکس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
۶. آمزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع التزامی)

**قد + مضارع**

• هرگاه حرف «قَدْ» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

**قَدْ + مضارع ← گاهی / شاید**

• قَدْ + أَلْعَبُ ترجمه ← گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم

• در ترجمه فعل مضارع همراه با «قَدْ» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

**قَدْ أَذْهَبُ إِلَى الْقَرْيَةِ لِحُجَّاتِهَا الْمُعْتَدِلِ.**

گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم.	شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.
---	---

### ایستگاه سؤال

### ترجم الأفعال التالية:

۱. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← قَدْ يَتَعَلَّمُ الْإِنْسَانُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ. (خرداد ۱۴۰۳)
  ۲. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← الطُّلَّابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۲)
  ۳. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَدْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
  ۴. كَاتَبَ: (نامه‌نگاری کرد) ← قَدْ يُكَاتِبُ. (دی خارج ۹۹)
  ۵. سَاعَدَ (کمک کن) ← قَدْ يُسَاعِدُنِ وَالِدَيْهِنَّ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
  ۶. ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَدْ يَذْکُرُ حَدِيَّةً صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)
  ۷. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)
  ۸. قَدْ يَذْکُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ. (خرداد خارج ۹۸)
- (۱) یاد کرده است
- (۲) گاهی یاد خواهد کرد
- (۳) گاهی یاد می‌کند
۹. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَدْ يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
  ۱۰. سَجَّحَ (تشویق کرد) ← قَدْ يُسَجِّحُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِسْتَعْفَرَ	اِسْتَعْفَرُ	يَسْتَعْفِرُ	اِسْتِغْفَارُ	اِسْتَعْفِرْ
اِسْتَعْفَال	(آمزش خواست)	(آمزش می خواهد)	(آمزش خواستن)	(آمزش بخواه)
اِفْتَعَلَ	اِمْتَنَعَ	يَمْتَنِعُ	اِمْتِنَاعُ	اِمْتَنِعْ
اِفْتِعَال	(خودداری کرد)	(خودداری می کند)	(خودداری کردن)	(خودداری کن)
اِنْفَعَلَ	اِنْسَجَبَ	يُنْسَجِبُ	اِنْسِحَابُ	اِنْسَجِبْ
اِنْفِعَال	(عقب نشینی کرد)	(عقب نشینی می کند)	(عقب نشینی کردن)	(عقب نشینی کن)
اِفْعَالَ	اَجْلَسَ	يُجْلِسُ	اِجْلَاسُ	اَجْلِسْ
اِفْعَال	(نشاند)	(می نشاند)	(نشاندن)	(بنشان)

◀ به فعل های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـَ) و در امر، کسره (ـِ) است.

من فَضَلِكُمْ اِجْتَهَدُوا. (خرداد ۱۴۰۰)  
لفظاً تلاش کنید.  
فعل امر از «تَجْتَهَدُونَ»

«اِجْتَهَدُوا» فعل امر (حرکت عین الفعل «کسره» هست.) و از باب «اِفْتِعَال» است و نباید آن را با ماضی «اِجْتَهَدُوا» اشتباه بگیرید.

◀ حالا به ساخت فعل امر باب های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَعُّلٌ، تَفَعُّلٌ» دقت کنید. هنگام امر این فعل ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می کنیم به راحتی می توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.

تُجَاهِدُ اِمْرُؤٌ جَاهِدْ (مبارزه کن)      تُعَلِّمُونَ اِمْرُؤٌ عَلِّمُوا (یاد دهید)

◀ به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَعُّلٌ، تَفَعُّلٌ» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفَاعَلَةٌ	تَفَاعُلٌ	تَفَعُّلٌ	تَفَعُّلٌ
ماضی	كَاتَبَ (نامه نگاری کرد)	تَفَاعَدَ (بازنشسته شد)	عَلَّمَ (یاد داد)	تَدَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه نگاری می کند)	يَتَفَاعَدُ (بازنشسته می شود)	يُعَلِّمُ (یاد می دهد)	يَتَدَكَّرُ (به یاد می آورد)
مصدر	كُتَابَةٌ (نامه نگاری کردن)	تَفَاعُدٌ (بازنشسته شدن)	تَعْلِيمٌ (یاد دادن)	تَدَكُّرٌ (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه نگاری کن)	تَفَاعَدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَدَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

پاسخ سؤالات

- گاهی یاد می گیرد، شاید یاد بگیرد (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ))
- گاهی تلاش می کنند، شاید تلاش کنند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ))
- گاهی یاد می گیرند، شاید یاد بگیرند (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))
- گاهی نامه نگاری می کند، شاید نامه نگاری کند (قَدْ + فعل مضارع (يُكَاتِبُ))
- گاهی کمک می کنند، شاید کمک کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ))
- گاهی یاد می کند، شاید یاد کند (قَدْ + فعل مضارع (يُدَكِّرُ))
- گاهی تلاش می کند، شاید تلاش کند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ))
- گزینه «۳»: گاهی یاد می کند (قَدْ + فعل مضارع (يُدَكِّرُ))
- گاهی سخن می گوید، شاید سخن بگوید (قَدْ + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))
- گاهی تشویق می کند، شاید تشویق کند (قَدْ + فعل مضارع (يُشَجِّعُ))

• فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می دهیم.

◀ اِجْلِسْ: بنشین / اُدْخُلُوا: داخل شوید / اُزْسِلَا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می آوریم و سپس فعل های دارای «و» در انتهای فعل به ساکن و فعل هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف می شود به جز نون جمع مؤنث، دقت کنید این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل های ثلاثی مزید در باب های «اِسْتِفْعَال، اِفْتِعَال، اِنْفَعَال، اِفْعَال» هست.

◀ یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. اگه ضمه بود همیشه ضمه (ُ) و اگر کسره بود همون (ِ) ولی اگه فتحه بود همیشه کسره (ـِ) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «اِفْعَال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل می شه. پس همزه فعل امر در باب «اِفْعَال» همیشه مفتوح (ـَ) هست.

«... اِزْجِعِي اِلَى رَبِّكَ ...» (فعل امر از «تَزْجَعِينَ»)	به سوی پروردگارت بازگرد.
«وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» (فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)	و از بردباری و نماز یاری بجوید.

◀ به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «اِسْتِفْعَال، اِفْتِعَال، اِنْفَعَال، اِفْعَال» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم.)



ایستگاه سؤال



ترجم الأفعال التالية:

۳. «أَكْرَمُوا» فعل امر از باب «إفعال» و به معنای «گرامی بدارید» است. («أَكْرَمُوا»: گرامی داشتند، فعل ماضی است).
۴. «تَعَلَّمُوا»: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعَّل» است. (دقت کنین «تَعَلَّمُوا» می‌تونه ماضی هم باشه (: فرا گرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می‌دهد، این فعل در معنای امر است).
۵. «إِنْتَقَلُوا: جابه‌جا شوید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد). و نباید آن را با «إِنْتَقَلُوا: جابه‌جا شدند» که ماضی است، اشتباه گرفت.
۶. «اسْتَعْفَرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَعْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.
۷. «کَاتَبُوا: نامه‌نگاری کردند» فعل ماضی است (عین‌الفعل آن فتحه دارد) و نباید آن را با فعل امر «کَاتَبُوا: نامه‌نگاری کنید» اشتباه گرفت.
۸. «قَيَّدُوا: به بند آورید» فعل امر از باب «تَفَعَّل» است. (قَيَّدُوا: به بند آوردند، فعل ماضی است).
۹. «شَاهَدُوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شَاهَدُوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.
۱۰. «الْإِحْتِهَادُ» مصدر باب «إِفْتِعَال» و به معنای «تلاش کردن» است.
۱۱. «الْإِمْتِنَاعُ» مصدر باب «إِفْتِعَال» و به معنای «خودداری کردن» است.
۱۲. «الْمُعَامَلَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» و به معنای «رفتار کردن» است.
۱۳. «سَاعَدَ: کمک کن» فعل امر است.
۱۴. «مُجَالَسَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» و به معنای «هم‌نشینی کردن» است.
۱۵. «أَرْسَلُوا: فرستادند، فرستادند، فعل ماضی است.
۱۶. «أَرْسِلْ»: فرست» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «بفرستید» است.
۱۷. «أَنْقَذُوا»: نجات دادند، نجات دادند، فعل ماضی است.
۱۸. «أَنْقِذُوا»: نجات دهید» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «نجات دهید» است.
۱۹. «اسْتَعِينُوا»: استعینوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «بجویید» است.

۱. نَظَرَ (نگاه کرد) ← أَنْظِرُوا إِلَى مَا قَالَ. (خرداد ۱۴۰۳)
۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← رَجَاءً، تَكَلَّمُوا بِهَدْوٍ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۳. أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← أَكْرَمُوا الشَّهَدَاءَ. (خرداد ۱۴۰۲)
۴. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← رَجَاءً تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
۵. يَا رَجَالَ، رَجَاءً اِنْتَقِلُوا. (دی ۹۸)
۶. أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَغْفِرُوا لذنوبِكُمْ. (خرداد ۹۸)
۷. كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۸. قَيَّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ. (خرداد ۹۹)
۹. شَاهَدَ (دید) ← رَجَاءً شَاهَدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۰. اِحْتِهَدَ (تلاش کرد) ← الْإِحْتِهَادُ. (خرداد ۹۹)
۱۱. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الْإِمْتِنَاعُ. (خرداد ۹۹ - آذر ۱۴۰۱)
۱۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← الْمُعَامَلَةُ. (شهریور ۹۹)
۱۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءً، سَاعَدْنِي. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۴. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ مُفِيدَةٌ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۵. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۶. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلْ. (دی ۹۹)
۱۷. أَنْقَذَ (نجات داد) ← رَجَاءً أَنْقِذُوا الطِّفْلَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← مِنْ فَضْلِكَ، اِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۹. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» (شهریور ۱۴۰۰)
۲۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← اِعْمَلُوا. (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← اذْكُرُوا رَبَّكُمْ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۲. اِحْتِهَدَ (تلاش کرد) ← مِنْ فَضْلِكُمْ اِحْتِهَدُوا. (خرداد ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات



۱. «أَنْظِرُوا: نگاه کنید» (فعل امر از صيغته «تَنْظُرُونَ» است).
۲. «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (دقت کنید فعل «تَكَلَّمُوا: سخن گفتند» می‌تواند ماضی هم باشد اما در این‌جا با توجه به کلمه «رَجَاءً» به معنای «لطفاً» که بر درخواست کار دلالت دارد، ترجمه فعل به صورت امر درست است).



۳. باید رفتار کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نُعَامِلُ) ← لِنُعَامِلُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۴. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۵. باید به یاد بیاورد (ل + فعل مضارع غایب (يَتَذَكَّرُ) ← لِيَتَذَكَّرُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۶. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب (يَجْتَهِدُ) ← لِيَجْتَهِدُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۷. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (تَمْتَنِعُ) ← لِنَمْتَنِعُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۸. باید موفق شود (ل + فعل مضارع غایب (يُنَجِّحُ) ← لِيُنَجِّحُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۹. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيُسَاعِدُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۱۰. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۲۰. «إِعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.

۲۱. «أَذْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.

۲۲. «اجْتَهِدُوا» فعل امر از باب «إِفْتِعَال» و به معنای «تلاش کنید» است. («اجْتَهِدُوا»: تلاش کردند، ماضی است.)

امر  
(۲)

۱۰

تکرار

### ساخت فعل امر از صیغه های غایب و متکلم:

• حرف «ل:» باید بر سر فعل های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می رود. (دقت کنید که «ل» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می کند و نون دارها، نونشون حذف می شود به جز نون جمع مؤنث.)

◀ لِيَجِجْ ← باید برگردد (ل + فعل مضارع غایب)

◀ لَايُحِثُّ ← باید جست و جو کنیم (ل + فعل مضارع متکلم)

◀ این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می شود:

### باید + مضارع التزامی

### ایستگاه سؤال

### ترجمه الأفعال التالیة:

۱. نَظَرَ (نگاه کرد) ← ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ (خرداد ۱۴۰۳)
۲. اسْتَمَعَ (گوش فرا داد) ← لِيَسْتَمِعْ كُلُّ طَالِبٍ إِلَى كَلَامِ مُعَلِّمِهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۳. يُعَامِلُ (رفتار می کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ جِدًّا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ. (دی ۱۴۰۱)
۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لِيَتَذَكَّرَ دَرَسَهُ. (دی ۱۴۰۰)
۶. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لِيَجْتَهِدْ. (خرداد خارج ۹۹)
۷. امْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لِنَمْتَنِعْ. (آذر ۱۴۰۰)
۸. نَجَحَ (موفق شد) ← لِيُنَجِّحْ. (شهریور ۹۸)
۹. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِيُسَاعِدْ. (شهریور ۹۹)
۱۰. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِيُرْسِلْ. (دی ۹۹)

### پاسخ سؤالات

۱. باید نگاه کند (ل + فعل مضارع غایب (يُنْظُرُ) ← لِيُنْظُرُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۲. باید گوش فرا بدهد (ل + فعل مضارع غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

• فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

کودک غذایش را خورد.	أَكَلَ الطِّفْلُ طَعَامَهُ.
فعل معلوم	فاعل

• تشخیص فعل ماضی مجهول ← حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)

← حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ـُ)

◀ كَتَبَ مجهول ← كُتِبَ (نوشته شد)

◀ اِكْتَسَبَ مجهول ← اُكْتُسِبَ (به دست آورده شد)

• تشخیص فعل مضارع مجهول ← حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)

← حرف مضارعه: ضمه (ـُ)

◀ يَكْتُبُ مجهول ← يُكْتَبُ (نوشته می شود)

• در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می کنیم.

منبری برایش نصب شد. (برپا شد)	نُصِبَ لَهُ مَنْبَرٌ.
ماضی مجهول	

• در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می شود» و مشتقات آن استفاده می کنیم.

هنگام سختی ها، برادران شناخته می شوند.	عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرَفُ الْإِخْوَانُ.
مضارع مجهول	

ایستگاه سؤال

لا تَحْزَنِي (غمگین نشو)

«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ی» مفعول ترجمه نمی شود؛ بلکه فاعل هست.

یا أُخْتِي الْكَرِيمَةَ أَحْسِنِي ای خواهر بخشنده ام به بیچارگان  
إِلَى الْمَسَاكِينِ. نیکی کن.

فعل «أَحْسِنِي» امر از «تُحْسِنِينَ» می باشد و ریشه فعل «حَسِنَ» هست، پس «نون» جزو ریشه اصلی فعله و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ی» ضمیر متصل فاعلی هست.

لا يَحْزَنُنِي (مرا غمگین نمی کند)

«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است و «مرا» ترجمه می شود.

أَعْنِي (کمکم کن، به من کمک کن) ← أَعْنِ (فعل امر) + ن + ي (أَعْنِي)  
بنابراین با توجه به «ن» متوجه می شویم که نون دوم وقایه است. (عَوْن)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطَّلَابُ سَاعَدُونِي. (دی ۱۴۰۱)
۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامِلُنِي. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۳. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظْتَنِي إِيمَانِي. (خرداد ۹۹)
۴. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← تَذَكَّرْتَنِي جَدَّتِي. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعِدُنِي. (دی خارج ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعِدُونِي. (خرداد خارج ۹۸)
۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ سَاعَدُونِي. (دی خارج ۹۸ - تیر ۹۸)

پاسخ سؤالات

۱. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۲. با من رفتار کن (عَامِلْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۳. مرا حفظ کرده است (قَدْ حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۴. مرا یاد کرد (تَذَكَّرَ (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۵. به من کمک کن (سَاعِدْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۶. به من کمک کنید (سَاعِدُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۷. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

ترجمه الأفعال التالية:

۱. مَنَعَ (منع کرد) ← ما مَنَعَ الْمَرِيضَ عَنِ الْأَكْلِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۲. سَأَلَ (سؤال کرد) ← سَأَلَ الْمُدِيرُ: أ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ (خرداد ۱۴۰۲)
۳. غَفَرَ (آمرزید) ← لا يُغْفَرُ الْمُحْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)
۴. خَلَقَ (آفرید) ← خَلِقَ. (دی ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← مَا قَطَعَ رَجَائِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
۶. غَفَرَ (آمرزید) ← لا يُغْفَرُ. (آذر ۱۴۰۱)
۷. «نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا»  
 (۱) فرود آورده شدند  
 (۲) فرود آورده می شوند  
 (۳) فرود آمدند (خرداد ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. منع نشد («ما مَنَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۲. سؤال شد («سَأَلَ»: فعل ماضی مجهول است.)
۳. آمرزیده نمی شود («لا يُغْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۴. آفریده شد («خَلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۵. بریده نشد («ما قَطَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۶. آمرزیده نمی شود («لا يُغْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۷. گزینه «۱»: فرود آورده شدند («نَزَلَ» فعل ماضی مجهول است.)

نون وقایه

• هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ی» متصل شود میانشان «نون» می آید که به آن «وقایه» گفته می شود.

◀ أَخَذَ + ن (وقایه) + ي ← أَخَذْتَنِي (مرا بُرد)

• ضمیر متصل «ی» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می شود.

◀ أُرْسِدُنِي ← مرا راهنمایی کن.  
فعل + ن + ي

ماضی / مضارع / امر + ن + ي

← ترجمه ضمیر «ی» (به من، مرا)

◀ فعل هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن هاست مانند «يَحْزَنُ، سَكَنَ، يَتَّقِنَ، حَسِنَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

## قسمت

# تمارین کتاب درسی

### الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) رَجَاءً، أُكْتَبَنَّ حَلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِكُنَّ.	۱) لطفاً حلّ پرسش‌ها را با هم‌کلاسی‌هایتان بنویسید.
ب) إِنْ تَكْتُبَ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضِخُ حَطَّكَ قَبِيحاً.	۲) اگر با عجله بنویسی خطت زشت خواهد شد.
ج) أُرِيدُ أَنْ أُكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذُّكْرِيَّاتِ.	۳) می‌خواهم [که] خاطره‌ای در دفترِ خاطرات بنویسم.
د) لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.	۴) [انسان] خردمند، روی آثارِ تاریخی نخواهد نوشت.
ه) إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.	۵) قطعاً او اندیشه‌هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
و) عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمْرِينَهُ.	۶) هنگامی‌که او را دیدم، تمرینش را می‌نوشت.
ز) قَدْ يَكْتُبُ الْكُسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.	۷) تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد (شاید بنویسد).
ح) يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟	۸) ای دانش‌آموزان، چرا ترجمه را نمی‌نویسید؟
ط) رَجَاءً، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ.	۹) لطفاً روی جلد کتاب ننویسید.
ی) هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لِصَدِيقَتِهَا.	۱۰) او نامه‌ای به دوستش نوشته است.
ک) لِنَكْتُبَ جُمَلًا جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا.	۱۱) در دفترهایمان جمله‌هایی زیبا باید بنویسیم.
ل) أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ.	۱۲) من دیروز تکلیف‌هایم را ننوشتم (ننوشته‌ام).
م) مَا كَتَبْنَا شَيْئاً عَلَى الْجِدَارِ.	۱۳) روی دیوار چیزی ننوشتیم.
ن) كُتِبَ حَدِيثٌ عَلَى اللَّوْحِ.	۱۴) حدیثی روی تخته نوشته شد.
س) كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجْوِبَةَ.	۱۵) جواب‌ها را می‌نوشتند.
ع) كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرَسَهُمْ.	۱۶) درسشان را نوشته بودند.
ف) يُكْتُبُ نَصَّ قَصِيرٍ.	۱۷) متنی کوتاه نوشته می‌شود.

### نکات ترجمه

۱) «أُكْتُبَنَّ» فعل امر از «تَكْتُبَنَّ» است.	۹) «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُوا) ← نهی
۲) «إِنْ: اگر» ← ادات شرط / «تَكْتُبُ» فعل شرط است و مضارع التزامی	۱۰) قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْتَ) ← ماضی نقلی
ترجمه می‌شود.	۱۱) لِ (امر) + فعل متکلم (تَكْتُبُ) ← لِتَكْتُبُ ← باید + مضارع التزامی
۳) أَنْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← مضارع التزامی	۱۲) لَمْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← لَمْ أَكْتُبُ ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۴) لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← لَنْ يَكْتُبَ ← (مستقبل منفی)	۱۳) مَا + فعل ماضی (كَتَبْنَا) ← ماضی منفی
۵) سَوْفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل	۱۴) «كُتِبَ» بر وزن «فُعِلَ» فعل ماضی مجهول است.
۶) كَانَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← ماضی استمراری	۱۵) كانوا + فعل مضارع (يَكْتُبُونَ) ← ماضی استمراری
۷) قَدْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.	۱۶) كانوا + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبُوا) ← ماضی بعید
۸) «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُونَ) ← مضارع منفی	۱۷) «يُكْتُبُ» بر وزن «يُفْعَلُ» فعل مضارع مجهول است.



الدَّرْسُ الثَّانِي | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) كَتَبَ: نوشت	<p>۱ قَدْ كُتِبَ التَّمْرِينُ: تمرین نوشته شد.</p> <p>۲ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ چرا درست را نمی نویسی؟</p> <p>۳ أَنْتَ لَمْ تَكْتُبِي شَيْئاً: تو چیزی را ننوشتی (تو ننوشته ای)</p>
ب) تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد	<p>۴ الصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p> <p>۵ رَجَاءٌ تَكَاتَبَا: لطفاً با یکدیگر نامه نگاری کنید.</p> <p>۶ تَكَاتَبَ الرَّمِيلَانِ: دو همکلاسی با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p>
ج) مَنَعَ: بازداشت، منع کرد	<p>۷ مَنَعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم.</p> <p>۸ لَا تَمْنَعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ: ما را از بیرون رفتن منع نکن (باز ندار).</p>
د) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد	<p>۹ لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از بیرون رفتن خودداری نخواهیم کرد.</p> <p>۱۰ لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ: از خوردن خودداری نکنید.</p> <p>۱۱ كَانَ الْحَارِشُ قَدْ اِمْتَنَعَ عَنِ التَّوَمِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.</p>
هـ) عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد	<p>۱۲ لِمَ مَا عَمِلْتُمْ بَوَاجِبَاتِكُمْ؟ چرا به وظایفان عمل نکردید؟</p> <p>۱۳ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟</p>
و) عَامَلَ: رفتار کرد	<p>۱۴ إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ! خدایا! با بخشش خود با ما رفتار کن.</p> <p>۱۵ إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ! خدایا! با دادگری ات با ما رفتار نکن.</p> <p>۱۶ كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا: به خوبی با ما رفتار می کردند.</p>
ز) ذَكَرَ: یاد کرد	<p>۱۷ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است. (یاد کرد)</p> <p>۱۸ ذُكِرَتْ بِالْخَيْرِ: به نیکی یاد شدی.</p> <p>۱۹ قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: گاهی استاد دانش آموزان قدیمش را یاد می کند. (شاید ... یاد بکند)</p>
ح) تَذَكَّرَ: به یاد آورد	<p>۲۰ جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: پدربزرگ و مادربزرگ مرا به یاد آوردند.</p> <p>۲۱ سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدْرِسُ: معلم ما را به یاد خواهد آورد.</p> <p>۲۲ لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: همکلاسی ام، تو را به یاد نمی آورم.</p>

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی مجهول (كُتِبَ) ← ماضی نقلی مجهول	۱۲ ما + فعل ماضی (عَمِلْتُمْ) ← ماضی منفی
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَكْتُبِينَ) ← مضارع منفی	۱۳ «تَعْمَلُونَ» فعل مضارع جمع مذکر مخاطب است.
۳ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبِي) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۱۴ «عَامِلٌ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَةٌ» است.
۴ «تَكَاتَبَا» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۵ «لا» ی نفی + فعل تغییر یافته مضارع (تُعَامِلُ) ← نفی
۵ «تَكَاتَبَا» فعل امر از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۶ كانوا + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← ماضی استمراری
۶ «تَكَاتَبَ» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۷ قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده
۷ «مُنِعْتُ» فعل ماضی مجهول است.	۱۸ «ذُكِرَتْ» فعل ماضی مجهول است.
۸ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْنَعُ) ← نفی	۱۹ قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می شود.
۹ لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← مستقبل منفی	۲۰ فعل ماضی از باب «تَفَعُّلٌ» + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۱۰ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُوا) ← نفی	۲۱ تَسَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل
۱۱ كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید	۲۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ | التَّمْرِينُ السَّادِسُ

الف) عَلِمَ: دانست	۱ سَيَعْلَمُونَ: خواهند دانست
ب) انْتَقَلَ: جابه‌جا شد	۲ لَا يَنْتَقِلُ: جابه‌جا نمی‌شود ۳ رَجَاءً، انْتَقِلُوا: لطفاً جابه‌جا شوید ۴ لَنْ يَنْتَقِلَ: جابه‌جا نخواهد شد
ج) أَرْسَلَ: فرستاد	۵ لَا تُرْسِلُ: نفرست ۶ أُرْسِلُ: بفرست
د) عَبَدَ: پرستید	۷ أُعْبَدُونِي: مرا پرستید
ه) سَاعَدَ: کمک کرد	۸ رَجَاءً، سَاعِدُونِي: لطفاً به من کمک کنید ۹ هُمْ سَاعَدُونِي: آنها به من کمک کردند
و) طَبَخَ: پخت	۱۰ طَبَخَ: پخته شد
ز) تَكَلَّمَ: سخن گفت	۱۱ اَلتَّكَلَّمَ: سخن گفتن ۱۲ نَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوییم ۱۳ تَكَلَّمْنَا: سخن گفتیم

نکات ترجمه

۱ س + فعل مضارع (يَعْلَمُونَ) ← مستقبل
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مضارع منفی
۳ فعل امر از باب «إفْتَعَال» ← صیغه جمع مذکر مخاطب
۴ لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مستقبل منفی
۵ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی
۶ فعل امر از باب «إفْعَال» صیغه مفرد مذکر مخاطب
۷ فعل امر (أُعْبَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۸ فعل امر (سَاعِدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۹ فعل ماضی (سَاعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۱۰ فعل ماضی مجهول
۱۱ مصدر باب «تَفَعَّل»
۱۲ فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»
۱۳ فعل ماضی، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

۱	مضارع تَدَكَّرَ (به یاد آورد):	<input type="radio"/> يَتَدَكَّرُ	<input type="radio"/> يُدَكِّرُ	<input type="radio"/> يَدُكِّرُ
۲	مصدر عَلَّمَ (یاد داد):	<input type="radio"/> عَلَّمَ	<input type="radio"/> تَعْلِيمٌ	<input type="radio"/> تَعَلَّمَ
۳	ماضی مُجَالَسَةٌ (همنشینی کردن):	<input type="radio"/> جَلَسَ	<input type="radio"/> أَجْلَسَ	<input type="radio"/> جَالَسَ
۴	مصدر انْقَطَعَ (بریده شد):	<input type="radio"/> تَقَطَّعَ	<input type="radio"/> انْقِطَاعٌ	<input type="radio"/> تَقَاطَعٌ
۵	امر تَقَرَّبَ (نزدیک شد):	<input type="radio"/> تَقَرَّبْ	<input type="radio"/> قَرَّبْ	<input type="radio"/> اقْتَرِبْ
۶	مضارع تَقَاعَدَ (بازنشست شد):	<input type="radio"/> يُقَاعِدُ	<input type="radio"/> يَتَقَاعَدُ	<input type="radio"/> يَفْتَعِدُ
۷	امر تَمَنَّعَ (خودداری می کنی):	<input type="radio"/> اِمْتَنِعْ	<input type="radio"/> مَانِعٌ	<input type="radio"/> اِمْتَنِعْ
۸	ماضی يَسْتَخْرِجُ (خارج می کند):	<input type="radio"/> أُخْرِجَ	<input type="radio"/> تَخْرِجٌ	<input type="radio"/> اسْتَخْرِجَ
۹	وزن اسْتَمَعَ:	<input type="radio"/> اسْتَمَعَلْ	<input type="radio"/> اسْتَمْعَلْ	<input type="radio"/> اسْتَمَعَلْ
۱۰	وزن اسْتَنْظَرَ:	<input type="radio"/> اسْتَنْظَلْ	<input type="radio"/> اسْتَنْظَلْ	<input type="radio"/> اسْتَنْظَلْ

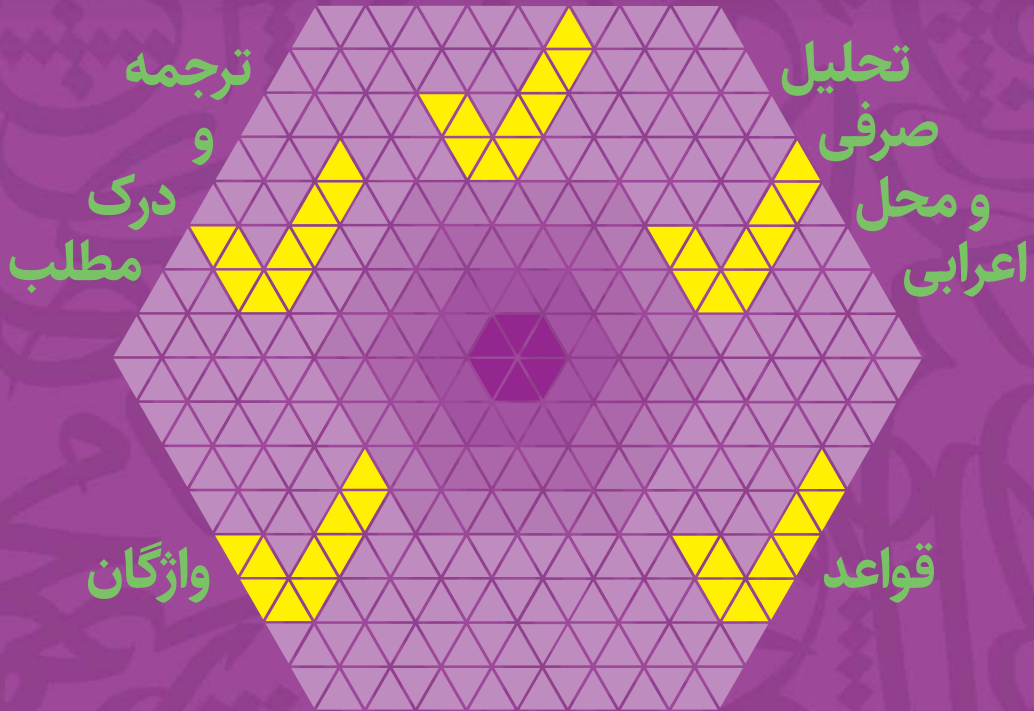
پاسخ

۱	تَدَكَّرَ ماضی باب «تَفَعَّلَ» است و مضارع آن بر وزن «يَتَفَعَّلُ» و به صورت «يَتَدَكَّرُ» می آید.	<input checked="" type="checkbox"/> يَتَدَكَّرُ	✓ به یاد می آورد
۲	عَلَّمَ ماضی باب «تَفَعَّلَ» بوده و مصدر آن بر وزن «تَفَعَّلَ» و به صورت «تَعْلِيمٌ» می آید.	<input checked="" type="checkbox"/> تَعْلِيمٌ	✓ تعلیم: یاد دادن
۳	مُجَالَسَةٌ مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» بوده و ماضی آن بر وزن «فَاعَلَ» و به صورت «جَالَسَ» می آید.	<input checked="" type="checkbox"/> جَالَسَ	✓ جالس: همنشینی کرد
۴	انْقَطَعَ ماضی باب «انْفَعَلَ» بوده و مصدر آن به صورت «انْقِطَاعٌ» است.	<input checked="" type="checkbox"/> انْقِطَاعٌ	✓ انقطاع: بریده شدن
۵	تَقَرَّبَ ماضی باب «تَفَعَّلَ» بوده و امر آن بر وزن «تَفَعَّلَ» و به صورت «تَقَرَّبْ» می آید.	<input checked="" type="checkbox"/> تَقَرَّبْ	✓ تقرب: نزدیک شو
۶	تَقَاعَدَ ماضی باب «تَفَاعَلَ» بوده و مضارع آن بر وزن «يَتَفَاعَلُ» و به صورت «يَقَاعِدُ» است.	<input checked="" type="checkbox"/> يَقَاعِدُ	✓ يتقاعد: بازنشست می شود
۷	تَمَنَّعَ مضارع باب «اِنْتِنَعَلَ» بوده و امر آن بر وزن «اِنْتِنَعَلَ» و به صورت «اِمْتَنِعْ» می آید.	<input checked="" type="checkbox"/> اِمْتَنِعْ	✓ امتنع: خودداری کن
۸	يَسْتَخْرِجُ مضارع باب «اسْتِنْفَعَلَ» بوده و ماضی آن به صورت «اسْتَخْرِجَ» می آید.	<input checked="" type="checkbox"/> اسْتَخْرِجَ	✓ استخراج: خارج کرد
۹	اسْتَمَعَ بر وزن «اِفْتَعَلَ» از باب «اِفْتَعَلَ» و به معنای «گوش فرا داد» است.	<input checked="" type="checkbox"/> اِفْتَعَلَ	✓ افتعل
۱۰	اسْتَنْظَرَ بر وزن «اِفْتَعَلَ» از باب «اِفْتَعَلَ» و به معنای «انتظار کشید، منتظر شد» است.	<input checked="" type="checkbox"/> اِفْتَعَلَ	✓ افتعل



# پاسخنامہ تشریحی

ترجمہ فعل



ترجمه فعل

پاسخ بخش اول

- ۱ رفتار نکن («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُعَامِلُ) ← نهی)
- ۲ رفتار می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع (يُعَامِلُ) ← ماضی استمراری)
- ۳ رفتار نمی‌کنید («لا»ی نهی + فعل مضارع (تُعَامِلُونَ) ← مضارع نفی)
- ۴ نگاه کنید (فعل امر از صیغه «تَنْظُرُونَ» است.)
- ۵ باید نگاه کند (لِ (امر) + فعل غایب (يَنْظُرُ) ← لِيَنْظُرَ (مضارع التزامی))
- ۶ نگاه کرده بودم (كُنْتُ + قَدْ + فعل ماضی (نَظَرْتُ) ← ماضی بعید)
- ۷ یاد گرفتیم (فعل ماضی ساده و صیغه متکلم مع‌الغیر است.)
- ۸ گاهی یاد می‌گیرد، شاید یاد بگیرد (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ) ← فعل مضارع به همراه «قَدْ» با قید «گاهی» یا «شاید» (به صورت التزامی) ترجمه می‌شود.)
- ۹ دانستی (فعل ماضی ساده)
- ۱۰ نمی‌دانید («لا»ی نهی + فعل مضارع (تَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
- ۱۱ بازی خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يَلْعَبُ) ← مستقبل)
- ۱۲ نباید بازی کند («لا»ی نهی + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لَا يَلْعَبُ ← مضارع التزامی منفی)
- ۱۳ اجازه نده («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَسْمَحِي) ← نهی)
- ۱۴ اجازه نداد، اجازه نداده است (لَمْ + فعل مضارع (تَسْمَحُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۱۵ نپریدم (ما + فعل ماضی (فَقَرْتُ) ← ماضی منفی)
- ۱۶ می‌پرند (فعل مضارع ساده اخباری)
- ۱۷ سخن بگویند (فعل امر از باب «تَفَعَّلُ» است.)
- ۱۸ که سخن بگویم (أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلِّمُ) ← أَنْ أَتَكَلِّمُ ← مضارع التزامی)
- ۱۹ باید گوش فرا بدهد (لِ (امر) + فعل مضارع غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
- ۲۰ گوش فرا داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
- ۲۱ منع نشد («ما مَنَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
- ۲۲ منع نکنید (لَا + تَمْنَعُونَ ← لَا تَمْنَعُوا (نهی))
- ۲۳ گزینۀ «۲»: «رُمَاء» جمع مکسر و مذکر عاقل است و فعل «حَضَرُوا» مناسب جای خالی است.
- ۲۴ گزینۀ «۳»: «يَطُوفُ» («الْحَاجُّ» مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغه مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: حج‌گزار هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کند.
- ۲۵ سؤال می‌کنید (مضارع اخباری)
- ۲۶ سؤال شد («سُئِلَ» فعل ماضی مجهول است.)
- ۲۷ گاهی تلاش می‌کنند (شاید تلاش کنند) (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ))
- ۲۸ تلاش نکرد / تلاش نکرده است (لَمْ + تَجْتَهِدُ ← لَمْ تَجْتَهِدْ (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۲۹ گرامی بدارید (فعل امر از باب «إِفْعَال» است.)
- ۳۰ باید گرامی بداریم (لِ (امر) + فعل متکلم (نُكْرِمُ) ← لِنُكْرِمُ ← مضارع التزامی)
- ۳۱ گزینۀ «۳»: «شَبَابٌ» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.
- ۳۲ گزینۀ «۱»: «تُوَكِّدُ» (با توجه به «الآثار» که بر جمع مکسر غیرعاقل دلالت دارد، فعل در صیغه مفرد مؤنث می‌آید.) ← ترجمه عبارت: آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.
- ۳۳ یاد بگیرید (فعل امر از باب «تَفَعَّلُ»)
- ۳۴ گاهی یاد می‌گیرند (شاید یاد بگیرند) (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۳۵ یاد نگرفت (یاد نگرفته است)
- ۳۶ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَتَعَلَّمُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) به من کمک کردند
- ۳۷ فعل ماضی (سَاعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۳۸ باید کمک کنند (لِ (امر) + فعل مضارع (يُسَاعِدُوا) ← باید + مضارع التزامی)
- ۳۹ کمک خواهیم کرد (سَ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل) نباید بنویسند
- ۴۰ «لا»ی نهی + فعل مضارع غایب (يَكْتُبُوا) ← نباید + مضارع التزامی نوشته بودند (كُنْتُ + قَدْ) + فعل ماضی (كَتَبْتُ) ← ماضی بعید
- ۴۱ یاری بجویند (فعل امر باب «اِسْتِفْعَال» (عَوْنٌ)، جمع مذکر مخاطب)
- ۴۲ یاری می‌جویند (فعل مضارع، متکلم مع‌الغیر باب «اِسْتِفْعَال»)
- ۴۳ یاری نجویند («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَسْتَعِينُوا) ← نهی)
- ۴۴ ارزان نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (يَرْحُصُ) ← مستقبل منفی)
- ۴۵ ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ) + فعل ماضی (رَحَصَتْ) ← ماضی بعید
- ۴۶ تعمیر کردن (مصدر باب «تَفْعِيل»)
- ۴۷ تعمیر نکرد (تعمیر نکرده است)
- ۴۸ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُصَلِّحُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) تعمیر می‌کردند (كَانُوا + فعل مضارع (يُصَلِّحُونَ) ← ماضی استمراری)
- ۴۹ نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)
- ۵۰ نزدیک می‌شوند (فعل مضارع، جمع مذکر غایب، باب «تَفَعَّلُ»)
- ۵۱ نزدیک نخواهیم شد (لَنْ + فعل مضارع (تَتَقَرَّبُ) ← مستقبل منفی)
- ۵۲ نفرست («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی)
- ۵۳ نفرستادند (نفرستاده‌اند)
- ۵۴ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُرْسِلُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) فرستاده است (فَرَسْتَادَ) (قَدْ + فعل ماضی (أُرْسِلُ) ← ماضی نقلی یا ساده)
- ۵۵ خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع (يَمْتَنِعُ) ← ماضی استمراری)
- ۵۶ خودداری کن (فعل امر باب «اِفْتِعَال»، مفرد مذکر مخاطب)
- ۵۷ آمرزیده نمی‌شود
- «لا»ی نهی + فعل مضارع (يُعْفَرُ) ← مضارع منفی مجهول

۵۸. آموزیده است (آمَرِید) (قَدْ + فعل ماضی (عَفَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده)  
 ۵۹. به یاد نیاوردید (ما + فعل ماضی (تَدَكَّرْتُمْ) ← ماضی منفی)  
 ۶۰. به یاد خواهیم آورد (س + فعل مضارع (تَتَدَكَّرُ) ← مستقبل)  
 ۶۱. باید به یاد آورد (بِأَوْزَد)  
 ۶۲. کمک نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أَسَاعِدُ) ← مستقبل منفی)  
 ۶۳. کمک نکردند (کمک نکرده‌اند)  
 ۶۴. لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُسَاعِدُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی)  
 به من (مرا) کمک کن  
 فعل امر (سَاعِدْ) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل)

## پاسخ بخش دوم

## ترجمه و درک مطلب

۶۵. هیچ تمدنی نیست مگر اینکه در آن مراسمی دینی وجود دارد.  
 ۶۶. زمانی که مردم برمی‌گردند بت‌های شکسته‌شان را می‌بینند.  
 ۶۷. زمانی که مردم بت‌های شکسته‌شان را دیدند، ابراهیم علیه السلام را برای محاکمه آوردند (حاضر کردند).  
 ۶۸. قرآن کریم از روش پیامبران و کشمکش آن‌ها با قوم‌های کافرشان با ما سخن گفته است.  
 ۶۹. نوشته‌ها و نگاره‌ها دلالت می‌کند بر این که دین در وجود انسان ذاتی است.  
 ۷۰. با یکتاپرستی به دین روی بیاور.  
 ۷۱. ای ابراهیم! آیا تو این (کار) را با خدایان ما انجام دادی؟  
 ۷۲. گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.  
 ۷۳. هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست، مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.  
 ۷۴. پیشکش قربانی‌ها به بت‌ها برای دوری از بدی‌شان بود.  
 ۷۵. آیا انسان گمان می‌کند (می‌پندارد) که بیهوده رها می‌شود؟!  
 ۷۶. آثار قدیمی بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند.  
 ۷۷. در یکی از عیدها، وقتی قومش از شهرشان بیرون رفتند، ابراهیم علیه السلام تنها ماند.  
 ۷۸. قرآن کریم در مورد سرگذشت (رفتار و کردار) پیامبران با ما سخن گفته است.  
 ۷۹. این خرافات در گذر زمان‌ها در ادیان مردم افزایش یافت.  
 ۸۰. ابراهیم خلیل علیه السلام تلاش کرد که قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.  
 ۸۱. مردم شروع به پیچ‌چ کردن کردند: قطعاً بت سخن نمی‌گوید و ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد.  
 ۸۲. خداوند پیامبران را فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.  
 ۸۳. سپس تبرا بر روی شانه آن آویخت و معبد (عبادتگاه) را ترک کرد.  
 ۸۴. تمدن‌های قدیم بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند.  
 ۸۵. ابراهیم علیه السلام به جز بت بزرگ، همه بت‌ها را در معبد شکست.  
 ۸۶. زمانی که مردم بت‌هایشان را شکسته دیدند، گمان کردند که ابراهیم علیه السلام همان انجام‌دهنده [کار] است.  
 ۸۷. ابراهیم علیه السلام را حاضر کردند پس او را در آتش انداختند، سپس خدا او را از آن نجات داد.  
 ۸۸. ابراهیم تنها ماند پس تبری را برداشت و تمام بت‌ها را در معبد شکست.  
 ۸۹. زمانی که مردم بازگشتند، بت‌هایشان را شکسته دیدند.  
 ۹۰. گفتند: او را بسوزانید. پس او را در آتش انداختند و خداوند او را از آن [آتش] نجات داد.
۹۱. ابراهیم به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟! از بت بزرگ بپرسید.  
 ۹۲. مردم هنگامی که بت‌های شکسته‌شان را دیدند، او را در آتش افکندند.  
 ۹۳. همه بت‌ها را شکست، سپس تبرا روی شانه بت بزرگ آویخت.  
 ۹۴. خرافات در گذر زمان‌ها در دین‌های مردم زیاد شد، ولی خدایان‌ها را هان نکرد.  
 ۹۵. و به عنوان مثال باید ابراهیم خلیل علیه السلام را به یاد آوریم که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.  
 ۹۶. در تاریخ خواندیم که خرافات در گذر زمان‌ها زیاد شد، ولی برخی مردم نمی‌اندیشند.  
 ۹۷. آثار قدیمی و تمدن‌هایی که آن‌ها را انسان از میان نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخت، بر این دلالت می‌کنند که دین در وجود او [انسان] ذاتی است.  
 ۹۸. گزینه «۱» صحیح است. «يُحَسَبُ» فعل مضارع است و به صورت اخباری ترجمه می‌شود و فعل «أَنْ يُتْرَكَ» فعل مضارع التزامی (مجهول است).  
 ۹۹. گزینه «۲» صحیح است. «لَمْ» مترادف «لَمَّا» و به معنای «چرا، برای چه» است، «تَسْأَلُونَ: می‌پرسید» مضارع اخباری ترجمه می‌شود.  
 ۱۰۰. گزینه «۲» صحیح است. «أَزْدَات» فعل ماضی است نه مضارع / «أديان»: جمع مکسر «دین» است. / «عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان‌ها)  
 ۱۰۱. گزینه «۲» صحیح است. «حَنِيفًا» صفت «الدِّين» نیست بلکه حال است و با پیشوند «بِا» ترجمه می‌شود. (درس دوم می‌آموزید).  
 ۱۰۲. گزینه «۱» صحیح است. «حَرَقُوا» فعل امر است نه ماضی / «أَنْصُرُوا» فعل امر است نه ماضی / «كُم» در «أَلِهَتِكُمْ» به معنای «شما، تان» است.  
 ۱۰۳. گزینه «۲» صحیح است. «لَمْ يَتْرَكَ» ماضی منفی ترجمه می‌شود.  
 ۱۰۴. گزینه «۲» صحیح است. «قَدْ حَدَّثَ: ماضی نقلی» / الأنبياء: جمع مکسر «النبی: پیامبر» است. / صراعهم: ضمیر «هم: شان» / أقوامهم: «ضمیر «هم»: شان»  
 ۱۰۵. گزینه «۲» صحیح است. «لا ... شَعْبَ»: لای نفی جنس به صورت «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود. / «خود» در گزینه (۱) اضافی است.  
 ۱۰۶. گزینه «۱» صحیح است. «إِنَّ» در ابتدای عبارت به معنای «همانا، بی‌گمان، قطعاً و ...» و در وسط عبارت به معنای «که، زیرا» است. / «أَنْ يُنْقَذَ: نجات بدهد» فعل معلوم است نه مجهول.  
 ۱۰۷. بسوزانید (: حَرَقُوا) - یاری کنید (: أَنْصُرُوا)  
 ۱۰۸. تمدن‌ها (: الحَضَارَات) - نگاره‌ها، کنده‌کاری‌ها (: التَّقُوش)  
 ۱۰۹. افکندند (انداختند) (: قَدَّفُوا) - نجات داد (: أَنْقَذَ)







# فرمول لیسانس

به بررسی ویژگی های  
فردی و ساختاری کلمه  
بیرون از جمله در فارسی  
«تجزیه» و در زبان عربی  
«تحلیل صرفی» می گوئیم.  
و به پیدا کردن نقش و  
موقعیت کلمات در جمله  
در فارسی «ترکیب» و در  
زبان عربی «محل اعرابی»  
می گوئیم.  
در این کتابچه کلمات و  
جملات کتاب درسی را  
تجزیه و ترکیب کرده ایم.

تهران، میدان انقلاب  
نیش بازار چه کتاب

[www.gajmarket.com](http://www.gajmarket.com)

# فهرست

## درس اول اَلدِّينُ وَالتَّوْبَةُ

بسته اول: متن درس ۳

بسته دوم: تمرین ۱۰

## درس دوم مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ

بسته اول: متن درس ۱۶

بسته دوم: تمرین ۲۰

## درس سوم اَلْكَتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

بسته اول: متن درس ۲۸

بسته دوم: تمرین ۳۷

## درس چهارم اَلْفَرَزْدَقُ

بسته اول: متن درس ۴۴

بسته دوم: تمرین ۵۰

لطفاً قبل از مطالعه این کتابچه، درس‌نامه «تجزیه و ترکیب» را از کتاب اصلی (صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۸ عربی ۳ فرمول بیست) بخوانید.

### الَّذِينَ وَالتَّائِبِينَ (دین و دینداری)

عبارت: ﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾

**ترجمه روان:** با یکتاپرستی به دین روی آورا!

**بررسی کلمه‌های مهم:** اقم: فعل امر/ وجه: مفعول / لک: مضاف‌الیه/ للدين: جارّ و مجرور

عبارت: التَّائِبِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا:

**ترجمه روان:** دینداری در انسان فطری است. و تاریخ به ما می‌گوید:

**بررسی کلمه‌های مهم:** التَّائِبِينَ: مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفَعَّلَ» - مبتدا/ فطري: خبر / الإنسان: مجرور

به حرف جرّ/ التَّارِيخُ: مبتدا/ يَقُولُ: فعل مضارع، ثلاثی مجرّد - خبر/ لَنَا: جارّ و مجرور

**نکته:** حرف جرّ (لِ) در هنگام اتصال به ضمائر متصل (به غیر از «ي») به «لِ» تبدیل می‌شود. مانند: لَنَا، لَهُ، لَكَ و ...

عبارت: لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

**ترجمه روان:** هیچ مملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دین و روشی برای عبادت کردن داشته است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** لا: لای نفی جنس / شُعُوبِ: مجرور به حرف جرّ/ الْأَرْضِ: از مؤنث‌های سماعی -

مضاف‌الیه/ كَانَ: فعل ماضی، ثلاثی مجرّد، از افعال ناقصه / لَهُ: جارّ و مجرور/ لِلْعِبَادَةِ: جارّ و مجرور

عبارت: فَأَلْتَأْتِرُ الْقَدِيمَةَ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ،

**ترجمه روان:** پس آثار کهنی که انسان آن‌ها را کشف کرده،

**بررسی کلمه‌های مهم:** التَّائِبِينَ: مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفَعَّلَ» - صفت برای «التَّائِبِينَ» / الَّتِي: اسم موصول خاص - صفت/

اكتشفت: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «افتعال»/ ها: مفعول / الإنسان: فاعل

**نکته:** از آن جایی که با جمع‌های غیرعاقل به صورت مفرد مؤنث برخورد می‌شود، اگر بخواهیم برای آن‌ها

فعل، صفت، ضمیر و ... بیاوریم، به صورت مفرد مؤنث آورده می‌شود. در جمله بالا نیز چون «التَّائِبِينَ» جمع

غیرعاقل است، «القدیمة»، «الَّتِي» و ضمیر «ها» به صورت مؤنث آمده‌اند.

**عبارت:** وَ الْخَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ التَّقْوَشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ،

**ترجمه روان:** و تمدن‌هایی که آن‌ها را از طریق نوشته‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخته است،  
**بررسی کلمه‌های مهم:** الخَضَارَاتُ: مبتدا/ الَّتِي: اسم موصول خاص - صفت/ ها: مفعول/ خِلَالِ: مجرور به حرف جر/ الْكِتَابَاتِ: مضاف‌الیه

**نکته:** ضمایر متصل هرگاه در انتهای فعل بیایند، نقش مفعول را دارند. (عَرَفَهَا)  
فعل مفعول

**نکته:** اسم‌های موصول خاص (الَّذِي، الَّتِي، ...) بعد از اسم‌های (ال) دار در نقش صفت هستند.

(الْخَضَارَاتُ الَّتِي...)  
اسم «ال» دار صفت

**عبارت:** تُوَكَّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛

**ترجمه روان:** بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند و دلالت می‌کند بر این‌که آن در وجود او فطری است؛  
**بررسی کلمه‌های مهم:** تُوَكَّدُ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب تفعیل - خبر برای (التأثر) / اهتِمَامَ: مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال - مفعول / الْإِنْسَانِ: مضاف‌الیه / بِالذِّينِ: جارّ و مجرور / أُنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل / وجود: مجرور به حرف جر/ ه: مضاف‌الیه

**عبارت:** وَ لَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛

**ترجمه روان:** اما عبادت‌ها و مراسم او خرافی بود؛  
**بررسی کلمه‌های مهم:** لَكِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل / ه: در (عباداته) و (شعائره) مضاف‌الیه / كانت: از افعال ناقصه

**نکته:** ضمایر متصل (ه، هما، هم ... که، کما، کم، ...) اگر به آخر اسم بچسبند، نقش مضاف‌الیه دارند.

**عبارت:** مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلْهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

**ترجمه روان:** مانند زیاد بودن خدایان و پیشکش کردن قربانی‌ها برای آن‌ها به خاطر به دست آوردن رضایتشان و دوری جستن از آن‌ها.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** تَعَدَّدُ: مصدر ثلاثی مزید از باب (تَفَعُّل) - مضاف‌الیه / الْأَلْهَةِ: مضاف‌الیه / تَقْدِيمِ: مصدر ثلاثی مزید از باب (تَفَعُّل) / الْقَرَابِينِ: مضاف‌الیه / لَهَا: جارّ و مجرور / لِكَسْبِ: جارّ و مجرور / رِضَاهَا: مضاف‌الیه / تَجَنُّبِ: مصدر ثلاثی مزید از باب (تَفَعُّل) / شَرِّ: مضاف‌الیه / ها: مضاف‌الیه برای (رضا) / تَجَنَّبَ: مصدر ثلاثی مزید از باب (تَفَعُّل) / شَرِّ: مضاف‌الیه / ها: مضاف‌الیه

**عبارت:** وَ أَزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أُدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

**ترجمه روان:** و در گذر زمان، این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** أَزْدَادَتْ: فعل ماضی / هذه: اسم اشاره - فاعل / أُدْيَانِ: مجرور به حرف جر / النَّاسِ: مضاف‌الیه / مَرِّ: مجرور به حرف جر / الْعُصُورِ: مضاف‌الیه



**عبارت:** وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛

**ترجمه روان:** ولی خدای والا و بلندمرتبه، مردم را به این حالت رها نساخت؛

**بررسی کلمه‌های مهم:** لکن: از حروف مشبّهة بالفعل / الله: معرفه به علم / تبارک: فعل ماضی، ثلاثی

مزید از باب «تفاعّل» / الناس: مفعول / هذه: مجرور به حرف جر

**نکته:** واژه مقدّس «الله» هر چند ابتدایش «ال» دارد، اما چون اسم خاص است، معرفه به علم محسوب

می‌شود نه معرفه به «ال».

**عبارت:** فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾

**ترجمه روان:** پس در کتاب ارزشمندش فرموده است: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها می‌شود؟

**بررسی کلمه‌های مهم:** قال: فعل ماضی / کتاب: مجرور به حرف جر / ه: مضاف‌الیه / الکریم: صفت

(کتاب) / أ: حرف استفهام (پرسشی) / الإنسان: فاعل / يُترك: فعل مضارع مجهول

**نکته:** در زبان عربی (بر خلاف فارسی) اگر اسمی هم صفت داشته باشد و هم مضاف‌الیه، ابتدا مضاف‌الیه

می‌آید و بعد صفت. (کتابه الکریم: کتاب ارزشمند او)

مضاف‌الیه صفت / صفت مضاف‌الیه

**عبارت:** لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

**ترجمه روان:** به همین خاطر پیامبران را به سوی آن‌ها فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

**بررسی کلمه‌های مهم:** لذلك: جارّ و مجرور / أرسل: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «إفعال» / إلیهم: جارّ و

مجرور / الأنبیاء: مفعول / لیبیّنوا: فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تفعیل» (به خاطر آمدن «لی»، نون آن حذف

شده است.) / الصراط: مفعول / المستقیم: صفت / الدین: معطوف (مربوط) به «الصراط» / الحق: صفت

**عبارت:** وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

**ترجمه روان:** و قرآن کریم از روش پیامبران و درگیری آن‌ها با اقوام کافرشان با ما سخن گفته است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** حدّث: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب تفعیل / نا: مفعول / القرآن: فاعل / الکریم: صفت

صفت / سیره: مجرور به حرف جر / الأنبیاء: مضاف‌الیه / صراع: معطوف به «سیره» / هم: مضاف‌الیه /

اقوام: مضاف‌الیه / هم: مضاف‌الیه / الکافرین: صفت «اقوام»

**عبارت:** وَ لَتَذُكَّرُ مِثْلًا لِإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

**ترجمه روان:** و به عنوان مثال باید از ابراهیم خلیل (ع) که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها

نجات دهد، یاد کنیم.

**بررسی کلمه‌های مهم:** إبراهیم: معرفه به علم - مفعول / الخلیل: صفت / الّذي: اسم موصول خاص -

صفت / حاول: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «مفاعلة» / يُنقذ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفعال» /

قوم: مفعول / ه: مضاف‌الیه / عبادة: مجرور به حرف جر / الأصنام: مضاف‌الیه

**عبارت:** **فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَوَحِيداً؛**

**ترجمه روان:** و در یکی از عیدها، هنگامی که قوم او از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **فِي أَحَدٍ:** جاّ و مجرور / الأعياد: مضاف‌الیه / قَوْمُهُ: فاعل / ه: مضاف‌الیه / مِنْ مَدِينَةٍ: جاّ و مجرور / هَم: مضاف‌الیه / إِبْرَاهِيمُ: فاعل / وَوَحِيداً: حال

**عبارت:** **فَحَمَلَ فَاساً وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ،**

**ترجمه روان:** پس تبری برداشت و همه بت‌ها را به جز بت بزرگ در معبد، شکست.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **فَاساً:** نکره - مفعول / كَسَرَ: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» / جَمِيعَ: مفعول / الْأَصْنَامِ: مضاف‌الیه / الْمَعْبَدِ: اسم مکان - مجرور به حرف جر / الْكَبِيرِ: صفت

**عبارت:** **ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.**

**ترجمه روان:** سپس تبر را روی دوش او آویزان کرد و معبد را ترک نمود.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **عَلَّقَ:** فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» / الْفَأْسَ: مفعول / كَيْفٍ: مجرور به حرف جر / ه: مضاف‌الیه / الْمَعْبَدِ: مفعول

**عبارت:** **و لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً**

**ترجمه روان:** و وقتی که مردم برگشتند، بت‌هایشان را شکسته دیدند.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **النَّاسُ:** فاعل / شَاهَدُوا: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «مفاعلة» / أَصْنَامَهُمْ: مفعول / هَم: مضاف‌الیه / مُكْسَرَةً: اسم مفعول از ثلاثی مزید - حال

**عبارت:** **وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:**

**ترجمه روان:** و گمان کردند که ابراهیم (ع) انجام‌دهنده [این کار] است، پس او را برای محاکمه حاضر کردند و از او پرسیدند:  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **إِبْرَاهِيمَ:** معرفه به علم / الْفَاعِلُ: اسم فاعل از ثلاثی مجزّ / أَحْضَرُوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب، ثلاثی مزید از باب «إفعال» / هُ در «أَحْضَرُوهُ» و «سَأَلُوهُ»: مفعول / لِلْمُحَاكَمَةِ: جاّ و مجرور

**عبارت:** **﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾**

**ترجمه روان:** آیا تو این [کار] را با خدایانمان انجام دادی ای ابراهیم؟  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **أ:** حرف استفهام (پرسشی) / أَنْتَ: ضمیر منفصل، مفرد مذکر مخاطب - مبتدا / فَعَلْتَ: فعل ماضی - خبر / هَذَا: اسم اشاره به نزدیک - مفعول / بِأَلْهَتِنَا: جاّ و مجرور / نَا: مضاف‌الیه

**عبارت:** **فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ!**

**ترجمه روان:** پس به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ سؤال کنید!  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **أَجَابَ:** فعل ماضی، مفرد مذکر غایب / هَم: مفعول / لِمَ: جاّ و مجرور / تَسْأَلُونَنِي: (فعل مضارع + نون و قایه + ي: مفعول) / الصَّنَمَ: مفعول / الْكَبِيرَ: صفت  
**نکته:** «لِمَ» مخفّف «لِما» می‌باشد؛ بنابراین جاّ و مجرور محسوب می‌شود.

**عبارت:** بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَاْمَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا.

**ترجمه روان:** مردم شروع به پیچ کردن: «قطعاً بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم فقط قصد دارد بت‌های ما را مسخره کند.»

**بررسی کلمه‌های مهم:** يَتَهَاْمَسُونَ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از «باب تفاعل» / اِنَّ: از حروف مشبّهه بالفعل / لَا يَتَكَلَّمُ: فعل مضارع منفی، ثلاثی مزید از «باب تفعّل» / اِبْرَاهِيمُ: فاعل / الْاسْتِهْزَاءُ: مصدر «باب استفعال» - مفعول / بِأَصْنَامِهِمْ: جارّ و مجرور / نَا: مضاف‌الیه

**عبارت:** وَ هُنَا ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾

**ترجمه روان:** و این جا [بود که] گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید!

**بررسی کلمه‌های مهم:** قَالُوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب / حَرِّقُوا: فعل امر، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» / آلِهَتُهُ: مفعول / كُمْ: مضاف‌الیه

**نکته:** «هُنَا» به معنای «اینجا» و «هُنَاكَ» به معنای «آن‌جا» قید مکان هستند.

**عبارت:** فَكَذَّبُوهُ فِي النَّارِ فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

**ترجمه روان:** پس او را در آتش افکندند و خداوند او را از آن نجات داد.

**بررسی کلمه‌های مهم:** «هُ» در «كَذَّبُوهُ» و «أَنْقَذَهُ»: مفعول / النَّارِ: مجرور به حرف جرّ / أَنْقَذَ: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «إفعال» / اللَّهُ: معرفه به علم - فاعل / مِنْهَا: جارّ و مجرور

**نکته:** برخی اسم‌ها در زبان عربی بدون داشتن قاعده و دلیل خاصی، مؤنث محسوب می‌شوند که به آن‌ها مؤنث‌های سماعی می‌گویند؛ مانند: اَرْض، شَمْس، نَار، حَرْب (جنگ)، بَطْر (جاه) و ...

**كَوْلِ التَّمَنِ**

**عبارت:** كَانَ الْهَدْفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهَةِ كَسْبَ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبَ شَرِّهَا.

**ترجمه روان:** هدف از تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان به دست آوردن رضایت آن‌ها و دوری جستن از بدی آن‌ها بود

**بررسی کلمه‌های مهم:** تَقْدِيمِ: مصدر ثلاثی مزید از باب «تفعیل» - مجرور به حرف جرّ / الْقَرَابِينِ: مضاف‌الیه / لِلْإِلَهَةِ: جارّ و مجرور / رِضَاهَا: (رضا: مضاف‌الیه / هَا: مضاف‌الیه) / شَرِّهَا: (شَرّ: مضاف‌الیه / هَا: مضاف‌الیه)

**عبارت:** عَلَّقَى إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْعَرَ الْأَصْنَامِ.

**ترجمه روان:** ابراهیم (ع) تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد.

**بررسی کلمه‌های مهم:** عَلَّقَى: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» / إِبْرَاهِيمَ: فاعل / الْفَأْسَ: مفعول / كَيْفِ: مجرور به حرف جرّ / أَصْعَرَ: اسم تفضیل - مضاف‌الیه / الْأَصْنَامِ: مضاف‌الیه

عبارت: لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

ترجمه روان: برخی ملت‌ها دین یا روشی برای پرستش نداشتند.

بررسی کلمه‌های مهم: لبعض: جار و مجرور / الشُّعُوب: مضاف‌الیه / للعبادة: جار و مجرور

عبارت: الأثار القديمة تُؤكِّدُ اهتمامَ الإنسانِ بالدينِ.

ترجمه روان: آثار باستانی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

بررسی کلمه‌های مهم: الآثار: مبتدا / القديمة: صفت / تُؤكِّدُ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» - خبر /

اهتمام: مفعول / الإنسان: مضاف‌الیه / بالدين: جار و مجرور

عبارت: لا يتركُ اللهُ الإنسانَ سُدًى.

ترجمه روان: خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند.

بررسی کلمه‌های مهم: الله: فاعل / الإنسان: مفعول

### ایستگاه سؤال

#### ● عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ:

(شهریور ۱۴۰۲)

۱. حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يَنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۲. الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقُرَابِينَ لِلْآلِهَةِ تَجَنُّبُ سَرِّهَا.

(خرداد خارج ۱۴۰۲)

۳. النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۴. وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۵. إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا.

(خرداد ۱۴۰۰ - آذر ۱۴۰۱)

۶. الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِينِ.

(شهریور ۹۸)

۷. عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْعَرَ الْأَصْنَامِ.

(شهریور خارج ۹۸)

۸. بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحِيداً فَحَمَلَ فَأَسَهُ وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ.

(خرداد خارج ۱۴۰۲)

#### ● عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

۹. «كَسَرَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ.»

#### الف) كَسَرَ:

○ (۱) فعلٌ ماضٍ، مفردٌ، مذكَّرٌ، مجهول

○ (۲) فعلٌ ماضٍ، مفردٌ، مذكَّرٌ، معلوم

#### ب) الْمَعْبَدِ:

○ (۱) اسمٌ، مفردٌ، مذكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ / مضافٌ إليه

○ (۲) اسمٌ مكانٍ، مفردٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ



## ۱۰. اِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ.

(دی خارج ۱۴۰هـ)

### (الف) كَسَرَ:

○ (۱) فعلٌ ماضٍ - معلومٌ / حَبْرٌ

○ (۲) فعلٌ أمرٌ - معلومٌ / فاعِلٌ

### (ب) الْمَعْبَدِ:

○ (۱) اِسْمٌ - مفردٌ - مذكَّرٌ - نكرةٌ / مضافٌ إليه

○ (۲) اِسْمٌ - مفردٌ - مذكَّرٌ - اِسْمٌ مَكَانٍ / مَجْرورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ

## ۱۱. كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

(خرداد خارج ۹۸)

○ (۱) اِسْمٌ الْفَاعِلِ، مفردٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ

○ (۲) اِسْمٌ الْمَكَانِ، مفردٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرَفَةٌ



۱. اِبْرَاهِيمُ: فاعل («حَاوِل») جمله فعلیه است و اسم مرفوع پس از آن «فاعل» می‌باشد. /

عبادة: مجرور بحرف جرّ («مِنْ») حرف جرّ است؛ «مِنْ عِبَادَةِ»: جار و مجرور

۲. الْهَدْفُ: مبتدا (جمله اسمیه داریم (مبتدا + خبر) / الْقَرَابِين: مضاف‌الیه و مجرور

(تقدیم: مضاف است و نه ال دارد و نه تنوین، پس کلمه پس از آن مضاف‌الیه است.) /

تَجَدَّبُ: خبر (برای مبتدای «الْهَدْفُ» می‌باشد.)

۳. أَصْنَامٌ: مفعول برای فعل «شَاهَدُوا» است. / مَكْسَرَةٌ: حال مفرد و منصوب است.

۴. الْقُرْآنُ: فاعل (در جمله فعلیه «قَدْ حَدَّثَ» است.) / الْكَرِيمُ: صفت (ویژگی «الْقُرْآنُ»

را بیان می‌کند.)

۵. اِبْرَاهِيمُ: فاعل («يَقْصِدُ» جمله فعلیه است.)

۶. اهْتِمَامٌ: مفعول («تَوَكَّدُ» متعدی است و نیاز به مفعول دارد.) / الْإِنْسَانِ: مضاف‌الیه

(بعد از اسم بدون ال و تنوین آمده است. «اهْتِمَامٌ».)

۷. اِبْرَاهِيمُ: فاعل (در جمله فعلیه «عَلَّقَ») / الْأَصْنَامِ: مضاف‌الیه (به کلمه «أَصْغَرَ» توجه

کنید، اسم بدون ال و تنوین.)

۸. وَحِيداً: حال (قید حالت برای «اِبْرَاهِيمُ») / فَأَسَّ: مفعول (برای فعل متعدی «حَمَلَ») /

الأصنام: مضاف‌الیه (پس از کلمه «جَمِيعَ» آمده پس قطعاً مضاف‌الیه است.)

۹. الف) گزینۀ (۲) صحیح است. («مجهول» در گزینۀ «۱») نادرست است.

ب) گزینۀ (۲) صحیح است. («مضاف‌الیه» در گزینۀ (۱) نادرست است.)

۱۰. الف) گزینۀ (۱) صحیح است. (فعل ماضی و خبر برای مبتدای «اِبْرَاهِيمُ» است.)

ب) گزینۀ (۲) صحیح است. («ال» دارد و معرفه است نه نکره. / بر وزن «مَفْعَل» اسم

المكان است. / پس از حرف جر «فی» آمده و مجرور بحرف الجرّ است.)

۱۱. گزینۀ (۲) صحیح است. («الْمَعْبَدِ» بر وزن «مَفْعَل» اسم مکان است.)